

# کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.2, No.24, April 1992

سال دوم، شماره ۲۴، فروردین ۱۳۷۱

## تشکلهایی از جانب صدها هزار کارگر رژیم ایران را محکوم کردند

مرکز خبری کارگر امروز:

بدنبال تلاشهای فعالین کمپین همبستگی کارگران ایران و کانادا و همچنین فعالین کارگران ایرانی انترناسیونالیست، تشکلهای کارگری کانادا به نمایندگی از جانب صدها هزار کارگر در اعتراض به دستگیری سعید ساعدی و زاهد منوچهری جمهوری اسلامی را محکوم ساختند. در آمریکا نیز کمیته اجرایی اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات و فدراسیون کارکنان دولتی بخش ۱۱۰۸ طی قطعنامه هایی ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی به علت پایمال کردن حقوق پایه ای کارگران، از حق اعتصاب و تشکل برای کارگران ایران حمایت کردند.

بقیه در صفحه ۲

### کارگران لوله سازی اهواز:

## قانون کار چیزی نشد که ما می خواستیم

مرکز خبری کارگر امروز:

گروهی از کارگران کارخانه لوله سازی اهواز که در بهمن ماه گذشته با روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی گفتگو می کردند سیاستهای اقتصادی یکساله اخیر دولت را بشدت مورد انتقاد قرار دادند. کارگران همچنین به صراحت مخالفت خود را با قانون کار جمهوری اسلامی را اعلام داشتند. کارگران

بقیه در صفحه ۳

### بجرم بی توجهی به حکم ممنوعیت حضور در پیکت کارگران اعتصابی پست کانادا

## سه فعال اتحادیه کارگران پست زندانی شدند

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۱۷ فوریه، دادگاه تورنتو آندره کولومبار، دبیر اتحادیه سراسری کارگران پست کانادا در تورنتو، "جیم لاورنس" معاون اتحادیه و

بقیه در صفحه ۴

### اعتراض علیه میزان

## افزایش دستمزد در سال ۷۱

مرکز خبری کارگر امروز:

افزایش ۳۶ درصدی دستمزد برای سال ۷۱ با اعتراضات کارگران همراه بوده است. در شماره گذشته از تحصن کارکنان کیهان در اعتراض به پایین بودن دستمزدها در کمتر از دو هفته بعد از اعلام افزایش دستمزد برای

بقیه در صفحه ۵

### در قانون کار چیزی

صفحه ۸

## ندیده ایم که به آن دلخوش باشیم

### ناسیونالیسم کرد شیفته

صفحه ۹

## دخالت آمریکا و متحدینش در عراق و منطقه بود

## اشغال کارخانجات کشتی سازی در آلمان

در صفحه ۶



## آلمان در آستانه اعتصابات کارگری

کارگران بی نتیجه ماند و احتمال اعتصاب

سراسری کارگران تشدید شد.

بقیه در صفحه ۶

### اعتصاب کارگران نفت

## در رامهرمز

مرکز خبری کارگر امروز:

نزدیک به ۶ هزار نفر از مردم شهر به راهپیمایی کارگران اعتصابی پیوستند. این گزارش حاکی است، پاسداران با حمله به تظاهر کنندگان ۵۷ نفر را دستگیر و دهمانفر را زخمی کردند.

بقیه در صفحه ۷

### گفتگو با پاتریشیا دولیله

عضو هیات اجرایی اتحادیه کارگران رشته شیمی آفریقای جنوبی

صفحه ۱۲

## اتحادیه ها و تحولات آفریقای جنوبی

بانگنمزی سیفینگو (بافو) مسئول تبلیغات

### حزب کمونیست یکی از

اتحادیه کوساثر در آفریقای جنوبی:

محبوبترین سازمانها در آفریقای جنوبی است صفحه ۱۱

### چگونگی تعیین روز

## اول ماه مه و برگزاری

## اولین سال روز کارگر

شنبه ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۹ (۶ بعد از ظهر): کنگره کار خود را تقریبا به اتمام رسانده است. شخصیتهای مهم کارگری از کشورهای مختلف اروپا و آمریکا آماده رای دادن به قطعنامه های مختلف شده اند. پس از رای گیری درباره قطعنامه، یکی از نمایندگان حزب سوسیالیست کارگری آمریکا به نام بوش پیشنهاد می کند که هر سال در یک روز در سراسر جهان تظاهرات عمومی برگزار شود و خواست آن تقلیل ساعت کار باشد. بحث زیادی صورت نمی گیرد. صفحه ۷

# خانه کارگر تلاش گسترده برای ایجاد جمهوری اسلامی: اتحادیه کارگران مسلمان

مرکز خبری کارگر امروز

با از هم پاشیدن اتحاد شوروی و تلاشهای جمهوری اسلامی برای کسب نفوذ در جمهوریهای مسلمان نشین آسیای میانه و بویژه بعد از اجلاس اخیر آکو در تهران، امیدهای خانه کارگر جمهوری اسلامی برای ایجاد اتحادیه کارگران مسلمان با شرکت کشورهای عضو آکو افزایش یافته است. در سفر طبرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی در اواخر بهمن ماه گذشته به ترکیه که به دعوت اتحادیه "حق ایش" صورت گرفت، این مطلب به صراحت مورد تأکید قرار گرفت. به گزارش روزنامه "کار و کارگر" ناشر افکار خانه کارگر جمهوری اسلامی، "نجات چلیک" دبیر کل "حق ایش" از پیشنهاد تشکیل اتحادیه کارگران مسلمان در کشورهای عضو آکو و جمهوریهای مسلمان نشین بازمانده از شوروی حمایت کرد. وی افزود که "اتحاد بیش از ۳۰۰ میلیون مسلمان در این منطقه نیروی قدرتمندی در اسرائیل (!) خواهد شد. علیرضا محجوب در آغاز سفر خود به ترکیه به خبرنگار روزنامه نامبرده گفت:

اتحادیه "حق ایش" تنها تشکیلات اسلامی در ترکیه است و از سالها قبل بین خان کارگر و این تشکیلات رابطه وجود داشته است. وی افزود که بحث پیرامون یک اتحادیه منطقه ای کارگری که قبلا با کنفدراسیون سراسری کارگران پاکستان مطرح گردیده از اهداف عمده سفر او خواهد بود و امیدوار است که موافقت "حق ایش" برای ایجاد اتحادیه کارگری اسلامی در منطقه حاصل گردد. شوراهای اسلامی که تشکیلاتی دولتی و ضد کارگری است و هدف عمده آن ممانعت از متشکل شدن کارگران ایران در تشکیلاتهای واقعی خود است اکنون با پرچمداری برای ایجاد یک تشکیلات اسلامی منطقه ای به نام کارگر تهدیدی برای بخش وسیعتری از کارگران محسوب می شود. مبارزه علیه شوراهای اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی نه فقط قدمی در راه ایجاد تشکیلات واقعی کارگری است، بلکه یک وظیفه مستقیما انترناسیونالیستی است.

## شوراهای اسلامی و مشکل اخذ حق عضویت

مرکز خبری کارگر امروز:

علیرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی شوراهای اسلامی را که به خانه کارگر حق عضویت پرداخت نکنند، تهدید به اخراج از این سازمان کرد. در گردهمایی اعضای هیات ماده ۲۲ قانون شوراهای اسلامی استان تهران که در ۱۸ دیماه برگزار گردید، عنوان شد که بعضی از شوراهای اسلامی در پرداخت حق عضویت خود قصور کرده اند.

اخذ حق عضویت از کارگران که مدتهاست در دستور شوراهای اسلامی است با مخالفت کارگران روبرو شده است، تا آنجا که شوراهای اسلامی برای

اخذ حق عضویت به اجبار و مصوبات قانونی متوسل شده اند. محجوب در جلسه مذکور تأکید کرد که "اصل کسر حق عضویت را قانون تصویب کرده است و مجامع عمومی کارگران صرفا بر روی مبالغ آن تصمیم گیری می کنند". در این اجتماع تأکید شد که هیاتهای موضوع ماده ۲۲ از جمله وظیفه دارند تا شوراهای اسلامی را نسبت به واریز کردن دو سوم حق عضویتهای جمع شده به حساب خانه کارگر آشنا کنند و در صورت عدم اقدام شوراهای اسلامی از آنها سلب عضویت کنند.

# کارگر امروز

## اعتصاب غذا در شرکت ادوات کشاورزی اراک

مرکز خبری کارگر امروز:

در ۲۳ بهمن ماه گذشته کارگران شرکت ادوات کشاورزی در اعتراض به وضع دستمزدها اعتصاب غذایی را شروع کردند که بمدت سه روز ادامه داشت.

به گزارش روزنامه کار و کارگر که این خبر را با عنوان "کارگران سه روز غذا نخوردند" چاپ کرده است، این اعتصاب به "علت وجود بعضی تبعیضات در پرداخت پاداش دهه فجر" بوده است. یاد آور می شود که برای آرام کردن اعتراضات گسترده علیه پایین بودن دستمزدها، کمالی وزیر کار مدیران تمام کارخانها را موظف به پرداخت پاداش به کارگران به مناسبت دهه فجر جمهوری اسلامی کرده بود.

### وزیر نفت:

## قانون شوراهای اسلامی

### صنایع نفت را مستثنی کرده است

مرکز خبری کارگر امروز:

آقای وزیر نفت جمهوری اسلامی هدف از کارمند کردن کارگران صنعت نفت را "رفع دوگانگی قانون کار و قانون وزارت نفت" اعلام کرد. وی درباره مخالفت با تشکیل شوراهای اسلامی در صنایع نفت گفت که قانون شوراهای اسلامی صنعت نفت را مستثنی کرده است.

آقا زاده وزیر نفت که در ۱۷ بهمن با خبرنگاران صحبت می کرد اعلام داشت که در رابطه با کارمند کردن کارگران صنعت نفت "گتین نامه ای وجود دارد و ما در سمیناری که با نمایندگان کارگران داشته ایم برای آنها توضیح داده ایم که چگونه می توانند کارمند شوند و در نهایت قصد ما از بیان این مطلب اجرای یک قانون خاص و رفع دوگانگی قانون کار و قانون وزارت نفت بوده است". وی در گفتگو با خبرنگاران بار دیگر

مخالفت خود با تشکیل شوراهای اسلامی در صنعت نفت و شرایط ویژه صنعت کلیدی نفت را مورد تأکید قرار داد و گفت:

قانون شوراهای اسلامی صنعت نفت را مستثنی کرده و به مصلحت اندیشی صنعت نفت اشاره دارد، در حالیکه تشکیل شورای اسلامی کار در سایر واحدها اجباری است.

جمهوری اسلامی بیش از ده سال پس از سرکوب خونین شوراهای واقعی کارگری در سراسر کشور و از جمله در بین کارگران نفت، همچنان از تشکیل حتی ارگانها دست ساخته خود، شوراهای اسلامی، در این صنعت وحشت دارد و نگران است که هر گونه برخورد مدیران و شوراهای اسلامی فرصتی برای بروز وسیع تر اعتراضات تهدید کننده کارگران صنعت نفت شود.

## اعتراض علیه میزان افزایش دستمزد در سال ۷۱

بقیه از صفحه اول

شده سنوات قبل... به تدریج جبران شود. بر خلاف این انتظار بحق و بجا، افزایش دستمزد امسال حتی متناسب با تورم واقعی نیز نبوده است و در نهایت می توان گفت که در سال ۷۱ افزایش دستمزدی به کارگران تعلق نگرفته است. بدینوسیله اعتراض شدید محافل و جوامع کارگری و اعضای کانون استان تهران را نسبت به مصوبه آن شورا اعلام می دارد... و از شورا می خواهد در تصمیم خود تجدید نظر بعمل آورده و حداقل دستمزد سال ۷۱ را متناسب با وضعیت موجود جامعه تعیین نماید.

مشابه همین خواست بلافاصله بعد از اعلام میزان افزایش دستمزد در کانون شوراهای اسلامی کار کرج مطرح گردید

بقیه از صفحه اول

### تشکلهایی از جانب...

نامه کنفدراسیون اتحادیه های سراسری کانادا (سی.اس.ان)

کنفدراسیون اتحادیه های سراسری کانادا (سی.اس.ان) که ۲۵۰ هزار کارگر را نمایندگی می کند، نسبت به موارد متعدد سرکوب مبارزین اتحادیه ای توسط مقامات دولت ایران در کشور شما، عمیقا مضطرب است.

بنابه اطلاعات رسیده، کارگران زیادی که کوشیده اند فعالیت اتحادیه ای را در ایران سازمان دهند، توسط مقامات کشور شما دستگیر و زندانی شده اند. چند تن از آنان حتی اعدام شده اند. آقایان سعید ساعدی و زاهد منوچهری، از شهر سمنان، جزو آخرین دستگیر شدگان هستند.

"سی.اس.ان" می خواهد بداند آیا این اشخاص هنوز در بازداشت بسر می برند، و اینکه جرمی که به آن متهم شده اند چیست؟ در خاتمه، ما از دولت ایران می خواهیم که حقوق کارگران ایران برای تشکل آزادانه خود را برسمیت شناخته و به هر گونه اقدام سرکوبگرانه علیه فعالین اتحادیه ای خاتمه دهد.

با احترام، پیر آ. پکت دبیر کل نامه اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی کانادا (سی.ای.دبلیو)

از جانب اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی کانادا، که ۱۷۰ هزار عضو را در کانادا نمایندگی می کند، می خواهیم نگرانی مان را نسبت به رفتار دولت شما در چند ماه اخیر نسبت به کارگران و فعالین اتحادیه ای در ایران ابراز کنم.

ما بویژه گزارش بازداشت سعید ساعدی و زاهد منوچهری را دریافت کردیم. همچنین مطلع شدیم که این دو فرد بازداشت شده، ممنوع الملاقات بوده و مقامات ایران اجازه معاینه مستقل برای اطمینان از سلامتی جسمی آنان توسط مرجع ثالثی را ندادند.

جامعه بین المللی تجاوزهای این چنینی نسبت به حقوق انسانی و اتحادیه ای را تحمل نخواهد کرد. ما از دولت شما مصرانه می خواهیم که بلافاصله این دو کارگر زندانی را آزاد کند.

صمیمانه، رابرت وایت پرنسیدن

## قابل توجه احزاب، گروهها و جمعیت ها

کارگر امروز در نظر دارد در آینده نزدیک دو ستون اول صفحه چهارم نشریه را به معرفی احزاب و گروه ها و جمعیت های ایرانی از زبان خودشان اختصاص بدهد. مطالب رسیده بدون دخل و تصرف در این ستون چاپ خواهند شد و در پایان هر سال در مجموعه جداگانه ای بصورت کتاب منتشر می شوند. این ستون به احزاب و گروههای سیاسی منحصر نیست و کلیه کانونها و جمعیت هایی که به نحوی از انحاء فعالیت تشکلی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به پیش آدرس پستی معتبر خود را برای ما ارسال می برند، می توانند نظرات و رثوس کنند تا توضیحات و فرم مربوطه برایشان اهداف و فعالیتهای خود را در این ستون فرستاده شود.

## یک فعال جنبش سوراها

### از کردستان عراق سخن میگوید

یادداشتهایی درباره یک قیام، یک بیروزی و یک شکست

این کتاب را از طریق کارگر امروز هم می توانید تهیه کنید  
بها با هزینه پستی اروپا: ۳۵ کرون سوئد  
آمریکا و کانادا: ۴۵ کرون سوئد

ISSN 1101-3516

# کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری  
**WORKER TODAY**  
An International Workers Paper

Editor: Reza Moqaddam

Bank Account: حساب بانکی  
5201-3306202  
S.E. Banken  
Stockholm, Sweden

Address: آدرس  
W.T.  
Box 6278  
102 34 Stockholm  
Sweden

اروپا: یکساله ۱۴۰ کرون سوئد - ششماهه ۸۰ کرون سوئد  
دیگر کشورها: یکساله ۲۱۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۲۰ کرون سوئد  
- بها برای موسسات دو برابر قیمتهای فوق است (تمام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است)

فرم آبونمان

مایلم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم.  یکساله  شش ماهه  
لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution \_\_\_\_\_  
Address \_\_\_\_\_  
Postcode \_\_\_\_\_ City \_\_\_\_\_ Country \_\_\_\_\_

فرم پر شده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید

W.T.  
P.O.Box 241412  
L.A., CA 90024  
USA

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابله تماس بگیرند

## خودکشی یک کارگر، تراژدی و استثمار

مرکز خبری کارگر امروز:  
یک کارگر که در پی حادثه از ناحیه پا فلج شده بود و کارفرما از پرداخت خسارت به وی خودداری می کرد با شلیک گلوله کارفرما را مجروح کرد و با تصور اینکه کارفرما کشته شده است، دست به خودکشی زد و بجای کارفرما، خود جان باخت.  
به گزارش روابط عمومی دادسرای تهران، کارگری بنام محمد که نزد کارفرمایی بنام ابوالصباح کار می کرده است در حین کار بر اثر واژگون شدن تانکر شوفاز از ناحیه پا به شدت آسیب دیده و فلج می شود، اما کارفرما از پرداخت خسارت به وی خودداری می کند، در نتیجه محمد با تهیه اسلحه ای به قصد کشتن کارفرما راهی منزل وی می شود. بنا به گزارش، محمد پس از شلیک گلوله به سوی کارفرما از محل حادثه متواری شده با همان اسلحه اقدام به خودکشی می کند و جان خود را از دست می دهد. اما همسایه ها پیکر مجروح کارفرما را به بیمارستان می رسانند و وی از مرگ حتمی نجات می یابد.

## مدیرکل اداره کار آذربایجان شرقی: نزدیک به سه هزار شکایت بر سر مسائل کارگری

مرکز خبری کارگر امروز:  
طی ده ماه کارگران استان آذربایجان شرقی در اعتراض به مسائل کارگری نزدیک به سه هزار شکایت به مقامات اداره کار این استان تسلیم کرده اند.  
"محمدرضا بادامچی" مدیر کل کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی در بهمن ماه گذشته طی گفتگویی با روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی اعلام کرد که از اردیبهشت ماه سال ۷۰ تا بهمن ماه بالغ

## کارگران لوله سازی اهواز: با ارزش رقابتی و دولتی خون ما را زالووار می کند

کارخانه لوله سازی اهواز در چند کیلومتری اهواز با بیش از ۱۱۰۰ کارگر در نزدیکی اهواز واقع است. این کارخانه در زمان جنگ حدود ۸ هزار تن تولید داشت که در سال ۷۰ به حدود ۲۲ هزار تن افزایش یافته است. کارگران این کارخانه در چهار شیفت و در شرایط بسیار سخت کار می کنند. یکی از کارگران در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت به خبرنگار کار و کارگر می گوید:

ما توجه کنید هر روز به بهانه های مختلف قیمت اجناس روبه افزایش است. دولت ارزش رقابتی اعلام می کند و به تولید کنندگان اجازه می دهد با قیمت دلخواه محصولاتشان را به مصرف کننده بفروشند. البته این کالاها باید از کانال بازار، بهتر بگویم از "سرگردنه" عبور کند و طبیعی است زمانیکه شما بخواهید کالای مورد نظر را خریداری کنید باید در دام بازار گرفتار آید و تا رفق شما را نگیرند، رهایتان نخواهند کرد. خوب با توجه به اینکه دولت اطلاع دارد که بازار چه بلایی به سر مردم محروم کشور آورده است، با چه نیتی باز هم دست آنها را بیشتر باز می گذارد؟ چرا دولت در مقابل این اجحافها سکوت کرده است و هیچ عکس العملی نشان نمی دهد؟

چرا باید به بهانه های ارزش رقابتی و شناور خون مردم محروم را زالووار بکنند و هیچ فریادرسی هم نباشد، مگر این محصولات بدست خود ما تولید نمی شود پس چرا بازار باید انرا توزیع کند. بنده بعنوان یک کارگر معترض به روش توزیع کالاهای داخلی از دولت می خواهم که فروشگاههای بزرگ و زنجیره ای مانند قدس و تعاونیهای مصرف را حمایت کند تا کارگران بتوانند به سهولت و با قیمت مناسب اقدام به خرید نمایند.

کارگر دیگری اضافه می کند: ما بعنوان یک تخته پرش برای سرمایه داران هستیم تا به مال و منالی برسند. مورد ظلم و ستم هم واقع می شویم چرا که در حال حاضر حقوق را با ارزش دولت دریافت می کنیم و تمامی کالاها و ارزاق را با ارزش رقابتی می خریم. بنده به دولت محترم پیشنهاد می کنم که احتیاجات جامعه کارگری را هم با ارزش رقابتی و یا هر ارزش دیگر که برای تولید به کارخانجات می دهد پردازد تا

برداشت نشده است. اختصاص ارزش برای بن کارگری تا بحال چندین بار از سوی مقامات بالای جمهوری اسلامی با تبلیغات فراوان مطرح گردیده و چندی بعد مانند سخنان اخیر محبوب تکنیپ شده است.  
محبوب در بخشی از سخنان خود به فاصله بین مزد اسمی و قدرت خرید واقعی کارگران اشاره کرد و گفت که تحقیقات انجام شده نشان می دهد که از سال ۶۴ به بعد همواره قدرت خرید کارگران روبه کاهش بوده است و این روند همچنان ادامه دارد.

محبوب در بخشی از سخنان خود به فاصله بین مزد اسمی و قدرت خرید واقعی کارگران اشاره کرد و گفت که تحقیقات انجام شده نشان می دهد که از سال ۶۴ به بعد همواره قدرت خرید کارگران روبه کاهش بوده است و این روند همچنان ادامه دارد.

قانون کار برای کارهای سخت و زیان آور شش ساعت در روز در نظر گرفته است، ولی ما هنوز هشت ساعت در روز کار می کنیم. البته ما نمیدانیم آئین نامه های قانون کار جدید ابلاغ شده یا خیر. ولی قانون گذشته هم برای کارهای سخت و زیان آور شش ساعت کار در روز در نظر گرفته بود. کارگر دیگری در همین زمینه اضافه می کند:

ما با هشت ساعت کار سخت هیچ اضافه کاری هم دریافت نمی کنیم. باور کنید کارگران ما زمانیکه از پای دستگاه کنار می روند همانند یک مرده اند و کار سخت و زیان آور هیچ رمقی برای آنها باقی نگذاشته است. قابل ذکر است که علیرغم این سختی کار اغلب کارگران ما دو شغله هستند و در بیرون شرکت هم کار می کنند. حالا شما حساب کنید کلاین کارگر خسته و کوفته چطور می تواند شمارهای مسئولین را در مورد خرد کفایی عملی کند. ابتدا باید کارگر تأمین شود تا تولید افزایش یابد، در غیر اینصورت خود کفایی فقط یک شعار است.

قانون کار برای کارهای سخت و زیان آور شش ساعت در روز در نظر گرفته است، ولی ما هنوز هشت ساعت در روز کار می کنیم. البته ما نمیدانیم آئین نامه های قانون کار جدید ابلاغ شده یا خیر. ولی قانون گذشته هم برای کارهای سخت و زیان آور شش ساعت کار در روز در نظر گرفته بود. کارگر دیگری در همین زمینه اضافه می کند:

ما با هشت ساعت کار سخت هیچ اضافه کاری هم دریافت نمی کنیم. باور کنید کارگران ما زمانیکه از پای دستگاه کنار می روند همانند یک مرده اند و کار سخت و زیان آور هیچ رمقی برای آنها باقی نگذاشته است. قابل ذکر است که علیرغم این سختی کار اغلب کارگران ما دو شغله هستند و در بیرون شرکت هم کار می کنند. حالا شما حساب کنید کلاین کارگر خسته و کوفته چطور می تواند شمارهای مسئولین را در مورد خرد کفایی عملی کند. ابتدا باید کارگر تأمین شود تا تولید افزایش یابد، در غیر اینصورت خود کفایی فقط یک شعار است.

### علیرضا محبوب:

## بن کارگری یکسال هم دوام نیاورد

مرکز خبری کارگر امروز:  
بن کارگری که در چند سال گذشته یکی از اهرمهای دولت اسلامی برای مقابله با اعتراضات کارگران بر سر دستمزد بود تنها یکسال دوام آورده است.  
علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی که هر شماره نشریه اش مملو از تبلیغات عوام فریبانه پیرامون بن کارگری بوده است، در سخنرانی خود بمناسبت دهه فجر در کارخانه بافت آزادی تهران در ۲۰ بهمن اذعان کرد که "بن کارگری فقط یکسال دوام آورد". محبوب همچنین گفت که برای سال ۶۹ و ۷۰ ارزی برای خرید اقلام بن کارگری

مرکز خبری کارگر امروز:  
بن کارگری که در چند سال گذشته یکی از اهرمهای دولت اسلامی برای مقابله با اعتراضات کارگران بر سر دستمزد بود تنها یکسال دوام آورده است.  
علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی که هر شماره نشریه اش مملو از تبلیغات عوام فریبانه پیرامون بن کارگری بوده است، در سخنرانی خود بمناسبت دهه فجر در کارخانه بافت آزادی تهران در ۲۰ بهمن اذعان کرد که "بن کارگری فقط یکسال دوام آورد". محبوب همچنین گفت که برای سال ۶۹ و ۷۰ ارزی برای خرید اقلام بن کارگری

## اختلافات کارگران و مدیران در شهر صنعتی البرز

مرکز خبری کارگر امروز:  
در اثر اختلافاتی که بین کارگران و مدیران چند کارخانه در شهر صنعتی البرز قزوین روی داده است، کارخانه ها تعطیل و دچار مبلهونها تومان خسارت شده اند.  
"حجت الاسلام باریک بین" که در مراسم نماز جمعه شهر قزوین سخنرانی می کرد با اشاره به وجود اختلاف بین کارگران و مدیران چند کارخانه، از جمله گفت: "مسائل بوجود آمده در بعضی از کارخانجات باعث تاسف است و اختلاف بین مدیران و کارگران باعث پائین آمدن تولید و خسارت به اقتصاد کشور است. تعطیلی یک روز کارخانه باعث میلیونها تومان خسارت بوده و در شرایطی که دولت به بهبود وضع اقتصادی کشور همت می نماید نباید شاهد این جریانها در کارخانه باشیم، نایبستی در اثر اختلافات تولید کارخانه ها بخوابد".  
وی افزود: "در آستانه انتخابات نیز ممکن است ایادی دشمنان خواهان این تشنجها باشند. کارگران را از شرکت گسترده در انتخابات دلسرد نمایند".

## افزایش معافیت مالیاتی بر حقوق کارگران و کارمندان

مرکز خبری کارگر امروز:  
روز ۲۷ بهمن ماه گذشته مجلس شورای اسلامی ایران سقف معافیت مالیاتی بر حقوق کارمندان و کارگران دولت و بخش خصوصی را افزایش داد.  
خواست کاهش مالیات بر دستمزد همواره از جانب کارگران مطرح شده بود و شوراهای اسلامی رقم بخش مالیاتی تا سقف ۱۲ هزار تومان را پیش کشیده بودند. در تصمیم اخیر مجلس اسلامی بخش مالیاتی برای کارکنان بخش دولتی تا سقف ۲۰ هزار تومان و برای کارمندان و کارگران بخش خصوصی تا سقف ۱۵ هزار تومان حقوق ماهانه تعیین

مرکز خبری کارگر امروز:  
روز ۲۷ بهمن ماه گذشته مجلس شورای اسلامی ایران سقف معافیت مالیاتی بر حقوق کارمندان و کارگران دولت و بخش خصوصی را افزایش داد.  
خواست کاهش مالیات بر دستمزد همواره از جانب کارگران مطرح شده بود و شوراهای اسلامی رقم بخش مالیاتی تا سقف ۱۲ هزار تومان را پیش کشیده بودند. در تصمیم اخیر مجلس اسلامی بخش مالیاتی برای کارکنان بخش دولتی تا سقف ۲۰ هزار تومان و برای کارمندان و کارگران بخش خصوصی تا سقف ۱۵ هزار تومان حقوق ماهانه تعیین

**خطرات دوران سپری شده**

خطرات و اسناد یوسف افتخاری  
۱۳۴۶-۱۳۹۹

به کوشش: کوه یات / مجید قریشی

میتوانید این کتاب را که توسط دوستانمان کارگر امروز بازتکثیر شده، از طریق مکاتبه با ما سفارش دهید.

بهای کتاب با هزینه پستی در اروپا معادل ۶۰ کرون سوئد، در آمریکا و کانادا ۸۰ کرون است.

**مراکز فروش کارگر امروز**

<b>انگلستان</b> Collets International 129-131 Charing Cross Rd London WC2H 0ED	<b>سوئد</b> Videopress Hallonbergsgatan 5 Stockholm Pressbyrå Stockholm Central Station, Stora Hallen Gatuplan Bokhandeln Røde Rummet Drottning gatan 100 111 80 Stockholm Tel: 08-114210	<b>فرانسه</b> International Press Södergatan 20 203 12 Malmö Røde Stjärnan Ystadsgatan 15 214 24 Malmö Tel: 040-920340	<b>اسپانیا</b> Spare Liner Stortorget 21 Malmö I.F.R. Davidhallsgatan 23 211 46 Malmö Tel: 040-119230 Røde Stjärnan Bokhandel Fjärde Långgatan 8 B Göteborg Saluhallen Kungälvarens Skolavand Delikateser Göteborg Røde Rummet Bokhandel Stortorget 15 Göteborg	<b>اتریش - وین</b> Karl Winter OHG Ernegade 27 2300 København <b>آلمان</b> Zambon-Verlag Leipziger str. 24 6000 Frankfurt 90 Tel: 779223 Heinrich-Heine Buchhandlung Schlüter str. 1 2000 Hamburg 13 Buchladen Oster str. 156 2000 Hamburg 20 Das Arabische Buch Buchhandlung Kneesebeck str. 18 D-1000 Berlin 12 Tel: 030-3138021	<b>آمریکا</b> Tasvir Gallery 18154 Sherman Way Reeds, CA 91335 Tel: 818-3448494 1387 Westwood Blvd. Los Angeles, CA 90024 Tel: (213)477-7477
---	--	---	---	--	---

# کارگزار امروز

## مبارزه علیه شوراهای اسلامی، وظیفه انترناسیونالیستی کارگران

مصطفی صابر

تا کنون وقتی از مبارزه علیه شوراهای اسلامی - ارگانها جمهوری اسلامی برای مهار زدن بر خواستها و اعتراضات کارگری - صحبت به میان آمده، مسئله اساسا از زاویه دفاع از حق کارگران ایران برای ایجاد آزادانه تشکل مورد بحث بوده است. اکنون به نظر می رسد با فعالیتهایی که خانه کارگر جمهوری اسلامی - ستاد مرکزی شوراهای اسلامی - برای تحقق ایده سرتاپا ارتجاعی و ضد کارگری "اتحادیه بین المللی کارگران مسلمان" به خرج می دهد، مبارزه علیه شوراهای اسلامی وظیفه ای مستقیما انترناسیونالیستی نیز هست.

اتحاد کارگران کشورهای مسلمان همان وقت هم که خانه کارگر امروزی تحت راهنمایی آخوندهایی چون بهشتی و رفسنجانی در درون حزب جمهوری اسلامی نطفه می بست طبعاً می توانست بعنوان یک ایده وجود داشته باشد. اما بویژه طی دو سه سال اخیر و با تثبیت خانه کارگر و شوراهای اسلامی بعنوان یک ارگان پایدار جمهوری اسلامی است که این ایده تفرقه افکنانه عملاً مطرح می گردد و با پیگیری از سوی خانه کارگر جمهوری اسلامی دنبال می شود.

در خرداد ماه سال ۶۹ علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر در آستانه شرکت در هفتاد هفتمین کنفرانس بین المللی کار گفت که هیات ایرانی در این کنفرانس دو نکته را در زمینه فعالیتهای خارجی اش دنبال می کند. اول پیشنهاد تشکیل اتحادیه کارگران کشورهای مسلمان و دوم تشکیل اتحادیه کارگران آسیا.

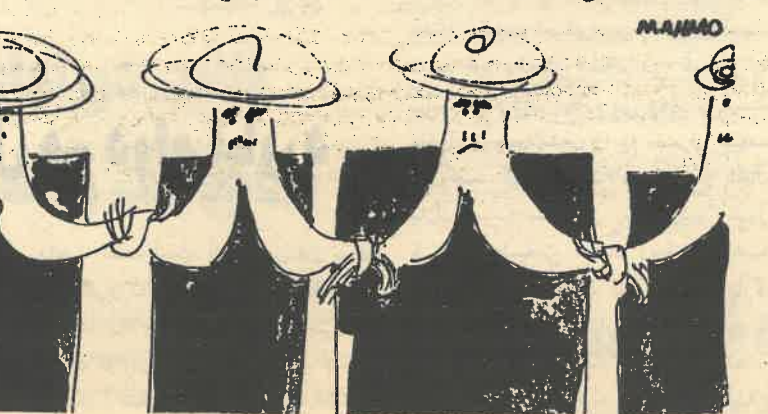
در بهمن ماه ۶۹ ایده فوق الذکر بار دیگر در دیدار با "معراج الدین خان" از مقامات "کنفدراسیون ملی کار پاکستان"، (ان.ا.ا.ف)، مطرح گردید. این اتحادیه

نیز توسط یک علامه بنام "مولودی" بنیان گذاری شده و دارای عقاید اسلامی است. در این دیدار محبوب بر لزوم تماسهای بیشتر بین خانه کارگر و "ان.ا.ا.ف" و اتحادیه "حق ایش" ترکیه، که دارای تمایلات اسلامی و علاقمند به این تفکر است، تاکید کرد.

در اردیبهشت ماه ۷۰ هیاتی از جانب "حق ایش" و به سرپرستی دبیر کل این اتحادیه از تهران دیدار کرد و در مذاکرات طرفین و در اظهارات رسمی، فکر ایجاد اتحادیه کارگران مسلمان بویژه از جانب خانه کارگر مطرح گردید. در آستانه شرکت در هفتاد و هشتمین کنفرانس بین المللی کار در خرداد ماه

شوروی در اواخر بهمن ماه سال ۷۰ در تهران، طرح ایجاد یک بازار مشترک اسلامی در منطقه و کلا موقعیت جدیدی که دولت ایران پس از تجزیه شوروی در آسیای میانه بدست آورده است، مایه امیدواری بسیار خانه کارگر در تحقق ایده ارتجاعی اش گردید. اگر تا پیش از این ایجاد تشکیلات بین المللی برای کارگران مسلمان عمدتاً در چهارچوب ایران و ترکیه و پاکستان و نیز در رابطه با برخی کشورهای دوست ایران نظیر لیبی مطرح شده بود، اینک طبیعی است که خانه کارگر در آرزوی بازار مشترک اسلامی غلبت بزند و جایگاهی برای خود و همکاریهای منطقه ای و بین المللی "اتحادیه" های اسلامی و تقویت هم ریشهای خود در کشورهای منطقه جستجو کند.

روز قبل از آنکه کنفرانس سران "اکو" تشکیل شود، محبوب دبیر کل خانه کارگر که در پاسخ به دیدار "حق ایش" به



ترکیه رفته بود، توانست با قوت بیشتری ایده تشکیل اتحادیه کارگران کشورهای مسلمان را مطرح کند. اینبار او موفق شد که اظهار نظر گرچه نه صریحاً موافقت آمیز، اما به اندازه کافی ارتجاعی و اسلامی از "حق ایش" دریافت کند که اگر ۳۰۰ میلیون مسلمان منطقه متحد شوند نیروی عظیمی در برابر اسرائیل خواهند شد.

موقعیت و یا عدم موفقیت خانه کارگر جمهوری اسلامی در تحقق ایده اتحادیه جداگانه برای کارگران مسلمان طبعاً به عوامل متعدد و مهمتر از همه به موقعیت

اطلاعی در مورد چگونگی تعیین دستمزد کارگران وجود ندارد و مشخص نیست که آیا اجرای قانون کار منافیتهای اساسی در محدوده های خاص با سایر قوانین سطح کشور دارد یا نه.

ج - ممنوعیت کار اجباری  
در ماده ۲۷۳ قانون جزای ایران ذکر شده است که کسی که دارای شرایط معیشتی زندگی نبوده و از روی تمبلی یا بی تفاوتی به دنبال یافتن کار نیست ممکن است که از طریق دولت مجبور به اشغال کاری مناسب شود، این قانون بطور مکرر مورد اعتراض "کمیته تخصصی" (سی.ا.وی) و "سازمان جهانی کار" (آی.ا.ا.و) قرار گرفته است زیرا منافی با معاهده ۲۹ سازمان جهانی کار در مورد کار اجباری است. "کمیته تخصصی" در گزارش سال ۱۹۹۰ خود اعلام کرد که حکومت جمهوری اسلامی به این کمیته اعلام کرده است که ماده ۲۷۳ لغو شده و بجای آن قانون جدیدی که در یک دوره آزمایشی اجرا خواهد شد به تصویب مجلس رسیده است. به استناد گزارش "کمیته تخصصی" دولت اعلام کرده است که قانون جدید منافی با معاهده ۲۹ سازمان جهانی کار نبوده و دولت ایران تعهد کرده است که ترجمه آنرا در اختیار سازمان جهانی کار قرار

ب - حق سازماندهی و مذاکره در مورد دستمزد  
در عمل حق سازماندهی و مذاکره دستجمعی مستقل در مورد دستمزد برای کارگران به شدت محدود است. هیچگونه

دولت ایران و سیاستهایش در سطح بین المللی و منطقه بستگی دارد. اما آنچه که اکنون هم قابل مشاهده است این است که طرح پیگیرانه این فکر موجب تقویت ارتجاعی ترین جریانات ضد کارگری در کشورهای منطقه می شود. کارگران تمام دنیا کم و بیش و کارگران ایران بویژه، اثرات مخرب تفرقه بر اساس جداییهای صرفاً به تفرقه افکنی بین کارگران دنیا بر اساس تمایزات دینی شان محدود نیست. اسلام زواد خانه کاملی از ارتجاعی ترین و ضد کارگری ترین ایده ها، سنتها و قوانین در اختیار سرمایه قرار می دهد که حتی اگر گوشه ای از آن دامن کارگران هریک از کشورها را بگیرد، آنرا ناگزیر خواهد کرد که سالها وقت و تلاش و نیروی مبارزه خود را صرف مقابله با آن نمایند. چندانکه اینرا ما در ایران تجربه کرده ایم و تجربه می کنیم.

مبارزه علیه فکر اتحاد کارگران کشورهای مسلمان و اصولاً هرگونه دخالتهای اسلامی در زندگی و تشکل کارگران و روابط و قوانین کار بنا به ماهیت تفرقه افکنانه و ارتجاعی آن وظیفه تمام کارگران نه فقط در کشورهای اسلامی بلکه در تمام دنیا و هر جایی است که کارگران وحدت بین المللی و حقوق شناخته شده کارگران سایر کشورها را طلب می کنند. و از همین روست که مبارزه علیه شوراهای اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی که پیگیرانه در پی ایده ارتجاعی اتحاد جداگانه

دهد. کمیته تخصصی یادآور شده است که دولت ایران در گزارش سال ۱۹۷۷ خود اعلام کرده است که مقررات مشابهی که در مورد اشخاص بیکار و ولگرد وجود داشت نیز لغو شده ولی هنوز نسبت به تقاضای ارسال یک نسخه از قانون جدید که مقررات قبلی را نقض کرده پاسخی نداده است.

د - حداقل سن اشتغال به کار  
قانون کار ایران بخشهای کشاورزی، خدمات محلی، کارگاههای خانوادگی و تا حدودی کارگاههای کوچک را از شمول قانون کار معاف داشته است. اشتغال به کار کودکان زیر ۱۲ سال را ممنوع کرده و محدودیتهای ویژه برای کار جوانان زیر ۱۸ سال تدوین کرده است. علاوه بر این از زنان و نوجوانان نمی توان برای کارهای سخت یا بطور عمومی برای کار در شب استفاده کرد. حدود اجرای این مقررات مشخص نیست.

ه - شرایط محیط کار  
قانون کار ۴۸ ساعت کار در ۶ روز هفته را قانونی شمرده (اضافه کار بر مبنای دستمزد بیشتر پیش بینی شده است). استفاده از یک روز تعطیل در هفته (معمولاً جمعه) و حداقل ۱۲ روز در سال و چندین روز تعطیلات رسمی با استفاده از حقوق پیش بینی شده است.

دولت ایران و سیاستهایش در سطح بین المللی و منطقه بستگی دارد. اما آنچه که اکنون هم قابل مشاهده است این است که طرح پیگیرانه این فکر موجب تقویت ارتجاعی ترین جریانات ضد کارگری در کشورهای منطقه می شود. کارگران تمام دنیا کم و بیش و کارگران ایران بویژه، اثرات مخرب تفرقه بر اساس جداییهای صرفاً به تفرقه افکنی بین کارگران دنیا بر اساس تمایزات دینی شان محدود نیست. اسلام زواد خانه کاملی از ارتجاعی ترین و ضد کارگری ترین ایده ها، سنتها و قوانین در اختیار سرمایه قرار می دهد که حتی اگر گوشه ای از آن دامن کارگران هریک از کشورها را بگیرد، آنرا ناگزیر خواهد کرد که سالها وقت و تلاش و نیروی مبارزه خود را صرف مقابله با آن نمایند. چندانکه اینرا ما در ایران تجربه کرده ایم و تجربه می کنیم.

کارگران کشورهای اسلامی است، جنبه یک وظیفه انترناسیونالیستی را بخود می گیرد  
اکنون واقعا زمان آنست که تمام کارگران سوسیالیست و مترقی دنیا، تمام تشکلهای واقعی کارگری کشورهای مختلف بسیار گسترده تر و جدی تری این فریاد کارگران ایران را تکرار کنند که شوراهای اسلامی هیچ ریشه ای در خواستها و تمایلات کارگران ایران ندارند و نباید در هیچ کجا و هیچ مرجع بین المللی حتی یک لحظه هم به عنوان نمایندگان کارگران ایران پذیرفته شوند. اخراج شوراهای اسلامی از سازمان بین المللی کار و انتقاد و شتمان این سازمان بخاطر پذیرفتن شوراهای اسلامی طبعاً یک وظیفه مهم است. اما مهمتر از آن حتی تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای لغای قانون کار جمهوری اسلامی است که صراحتاً حق اعتصاب و تشکل و هیچ یک از خواستههای جاری کارگران ایران نظیر ۴۰ ساعت کار را برسمیت نمی شناسد اما مواد بسیاری را به انجمن های اسلامی اختصاص داده است و شوراهای اسلامی را بعنوان تنها تشکل قانونی برسمیت می شناسد.

کارگران کشورهای مختلف بویژه در اروپا و امریکا نباید ملاحظه این تفکر ریاکارانه مرسوم بورژوازی که "رعایت حال" اسلام و فرهنگهای ارتجاعی جهان سومی را می کند، داشته باشند. آنها باید به صراحت به ایده ارتجاعی و تفرقه افکنانه تشکیلات جداگانه برای کارگر

مسلمان حمله ببرند و پشتیبان خود را کارگران ایران بدانند که سالهاست از هرچه ایده کارگر مسلمان، اتحادیه اسلامی، انجمن اسلامی، شورای اسلامی و قانون اسلامی است بیزارند و شب و روز مجبور به مقابله با این تمایلات ضد کارگری اند. مبارزه جدی کارگران کشورهای مختلف علیه شوراهای اسلامی بی شک به نوبه خود خون تازه ای در رگهای جنبش کارگری ایران می دواند تا بتواند شوراهای اسلامی را در همانجایی که متولد شده اند، به خاک بسپارد.

در ارتباط با حداقل دستمزد و شرایط بهداشتی و ایمنی محیط کار نیز مقرراتی پیش بینی شده است. اطلاعات بیشتر در مورد این قوانین و میزان پرداخت صحیح نیز در دسترس نیست.

با توجه به جدا کردن بخش عمده ای از اقتصاد کشور از شمول قانون کار و ناپاسامانی کشور در اثر انقلاب و آثار جنگ با عراق و فقدان اتحادیه های فعال کارگری مشخص نیست که مقررات قانون کار ایران چه اکثریتی از کارگران را شامل می شود.

سازمان جهانی کار مدت زمانی طولانی است که نگران تبعیضات رسمی استخدامی علیه پیروان مذهب بهایی است. سازمان جهانی کار و کمیته تخصصی آن در گزارش سال ۱۹۹۱ خود موضوع بحث گزارش سال قبل خویش در مورد تبعیضات استخدامی علیه بهائیان را مورد مذاکره قرار داد و از دولت جمهوری اسلامی خواست که در مورد شرایط فعلی و ادعای دولت در مورد اقدامات انجام شده در مورد همراهی با معاهده ۱۱۱ سازمان جهانی کار که در آن تبعیضات استخدامی منع شده است را مشخص کند. هم اکنون محور اصلی شکایات علیه ایران در سازمان جهانی کار نحوه رفتار با اقلیت بهایی است.

### از گزارش وزارت امور خارجه آمریکا درباره نقض حقوق بشر در ایران

## شوراهای اسلامی یکی از شعبات دولت بحساب می آیند

مرکز خبری کارگر امروز:

در گزارش وزارت امور خارجه آمریکا درباره نقض حقوق بشر در ایران در سال ۱۹۹۱ از جمله راجع به اوضاع کارگران ایران نیز مطالبی بیان شده است. این گزارش در مورد شوراهای اسلامی بر نکات صحیحی انگشت می گذارد

اما در مورد قانون کار ایران که در سال ۱۳۷۰ تصویب شده و از اول ۱۳۷۱ مراحل اجرایی و از جمله تدوین آیین نامه های لازم را از سر می گذراند کاملاً بی اطلاع است. این گزارش حداکثر ساعت کار را ۴۸ ساعت عنوان کرده است. و به نظر می رسد اشاره اش به قانون کار سابق باشد، بعلاوه از چگونگی تعیین دستمزد کارگران که هر ساله توسط شوراهای کار و بدون دخالت کارگران تعیین می شود، اظهار بی اطلاعی می کند. بخش ششم از این گزارش را که به حقوق کارگران اختصاص یافته است در زیر خواهید خواند.

وجود ندارد. "خانه کارگر" که در سال ۱۹۸۲ توسط شاخه کارگری حزب منحل "جمهوری اسلامی" بنیاد نهاده شد، تنها سازمان قانونی کارگران در سطح کشور است. این سازمان با شوراهای اسلامی کار و انجمنهای اسلامی در کارخانجات همکاری نزدیک دارد. ریاست "خانه کارگر" را حسن کمالی وزیر کار به عهده دارد که از این طریق زیر منافع و نفوذ دولت قرار می گیرند. اینها اتحادیهایی که توسط کارگران تشکیل شده و حافظ منافع آنها باشند نیستند و به عنوان ابزار حکومت برای نظارت بر کارگران از آنها استفاده می گردد ولی این شوراهای بطور مکرر مانع اخراج و یا برکناری کارگران شده اند.

ب - حق سازماندهی و مذاکره در مورد دستمزد  
در عمل حق سازماندهی و مذاکره دستجمعی مستقل در مورد دستمزد برای کارگران به شدت محدود است. هیچگونه

بخش ششم - حقوق کارگران

الف - حق تشکیل اتحادیه

در ایران یک اتحادیه واقعی کارگران

# نامه به سردبیر

نامهایی که به قصد درج در این ستون ارسال می شوند باید: ۱- کوتاه باشند ۲- تاپه شده یا کاملاً خوانا باشند ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، مهربان شود تا امضاء محفوظ بماند ۴- کارگر امروز در انتخاب و تلفظی نامها آزاد است.

## برگزاری کنفرانس برای

## اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار

سردبیر کارگر امروز!

به دنبال اعلام جمال چراغ ویسی، یکی از سخنرانان میتینگ هزاران کارگر سنندج در اول ماه سال ۶۸ توسط جمهوری اسلامی تعدادی از کارگران شهر سنندج طی بیانیه ای به این جنایت اعتراض کردند و در قسمتی از بیانیه خود از تمام اتحادیه ها و تشکلهای کارگری چه در ایران و چه در جهان خواستند که با آنها همصدا شده و رژیم اسلامی را بخاطر این جنایتش محکوم کنند و برای آزادی زندانیان کارگر مبارزه کنند.

در جواب به فراخوان بیانیه کارگران سنندج، کمپین وسیعی در کشورهای مختلف راه انداخته شد.

نتیجه: همبستگی کارگری با جنبش کارگری ایران در صدور نامه های اعتراضی و قطعنامه هایی در اعتراض به اعدام کارگران در ایران و آزادی کارگران زندانی، پیش رفت. تداوم این همبستگی و اعتراضات سفارتخانه های رژیم اسلامی را ناچار به پاسخگویی کرد و جمهوری اسلامی در متنگه بازخواست تشکلهای کارگری جهان قرار گرفت. امروز در ادامه این همبستگی درخشان کارگری، فعالین کمونیست و فعالین جنبش کارگری ایران وظیفه داریم در ارتباط مداوم و همیشگی با فعالین جنبش کارگری در جهان و اتحادیه های کارگری تدارک فشاء و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان بین المللی کار در ژنو را

## انفجار معدن کوزلو، حکومت دولت ترکیه

به سردبیر کارگر امروز!

حتما از وقایع دلخراش انفجار معدن در ترکیه با خبرید. در یک چشم بهم زدن صدها کارگر معدن در حوالی استانبول در زیر آوار زیر زمینهای معدن جان خود را از دست دادند طبق آخرین خبر ۱۲۲ کشته و بیش از ۱۰۰ جسد دیگر هنوز زیر خاک مانده است.

رسانه های خبری بورژوازی بی شرمه با سرعت در حاشیه اخبارشان این وقایع را پخش کردند و سپس آنرا به باد فراموشی سپردند. روزنامه رسمی دولت ترکیه در زیر عکس جسد چند تن از کارگران نوشته "سر مردم ترک سلامت باشد". ناسیونالیسم ترک چه با دولت مرکزیش و چه با بخشی از اتحادیه های به اصطلاح کارگری که آغشته در ناسیونالیسم هستند، چه با حزب رفاه ارتجاعیش، سالهای سال است مبارزات کارگری ترکیه را بایکوت می کنند و فعالیت جریانهای رادیکال و کمونیست را ممنوع می کنند. و در اوج گرانی در ترکیه طبقه کارگر را وادار به کار شدید و در عین حال با حداقل دستمزد می کنند. و امروز هم، بعد از رویداد چنین

فراهم کنیم. فعالین کمونیست و جنبش کارگری، با برگزاری کنفرانسهایی در کشورهای اروپایی، و کانادا، امر سازمان دادن این کمپین را بعهده بگیریم. اسناد کافی از شرایط کار - زندگی - دستمزد و مناسبات تشکلهای ضد کارگری جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی و انجمنهای اسلامی - و آپاراتید جنسی در مراکز کارگری، ارائه بدهیم. درباره قانون کار مصوب جمهوری اسلامی در میان کارگران کشورهای اروپایی، کانادا و آمریکا سخنرانی کنیم و کنفرانس برگزار کنیم. سازمان دادن ارگان تبلیغی به زبان کشورهای مختلف در تدارک این کمپین امری ضروری و جدی است. سازمان دادن کمیته همبستگی با کارگران ایران در سطح کشوری و متشکل از فعالین کارگری و کمونیست با بکارگیری ابتکارات جمعی در پیشبرد این امر وظیفه ای عاجل است. وظیفه نشریه کارگر امروز است که کنفرانسهایی در کشورهای اروپا، کانادا و آمریکا و با شرکت تعدادی معین از فعالین جنبش کارگری در این کشورها را تدارک ببیند و از طریق این کنفرانس، خطوط عمده راه اندازی این کمپین در ژنو را فراهم کند.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران بهرام نویدی آلمان - فوریه ۱۹۹۲

## درباره مصاحبه اوفه تامسون، صحت حرفهای مارکس کماکان به قوت خود باقی است

سردبیر محترم کارگر امروز!

کارگر امروز شماره ۲۲ مصاحبه ای با اوفه تامسون داشت که نشانه ای از مسایل واقعی موجود کارگران دانمارک است. ولی با وجود این، به نکات مهمی اشاره کرده که اگر تمام رهبران کارگری هم چنین ارزیابی داشته باشند، در مورد سوسیالیسم، آینده و مبارزات کارگری ضمن اینکه نمی توانند قدمی به جلو بردارند، در چهارچوب همان تشکرات بورژوازی باقی مانده و آینده خیلی تاریکی را نشان کارگران می دهند. و اینجای بسی تأسف است.

نشان دادن تصویری از اوضاع کنونی کشورهای مختلف، شاید کار سختی نباشد و هر کس کم و بیش می تواند به شیوه ای آنرا ترسیم کند، مصائبی که تا حدودی رسانه های بورژوازی نیز مجبور به انعکاس آن می باشند. افزایش هر روزه درصد بیکاران در کشورهای مختلف افزایش تورم و کاهش دستمزدها نسبت به آن، گرانی، نگرانی روزافزون توده های کارگر نسبت به آینده زندگی خود و دهها مصیبت از این نوع. از طرف دیگر، رشد فاشیسم و راسیسم در کشورهای اروپایی، که درصدد بدست گرفتن حکومت هستند، هنوز به قدرت نرسیده وحشت را برای بشریت به ارمغان آورده است.

در کشورهای تحت سلطه علاوه بر وضعیت وخیم زندگی کارگران، قدرت نمایی و انسان کشی ارتجاع مذهبی و دامن زدن به تعصبات جسمی، ملی، قومی و... رشد ناسیونالیسم در دنیا، یکی دیگر از آن مصیبتهای زجر آور کنونیست. می بینیم که در ایالتهای باصطلاح تازه استقلال یافته، جنبشهای ناسیونالیستی چطور به جان همدیگر افتاده اند و روزانه در جنگهایشان دهها و صدها کشته، به جا می گذارند.

بحرانهای عمیق اقتصادی، مخصوصا در کشورهای بزرگ صنعتی، مثل آمریکا، فرانسه، شوروی که هر روزه عمیقتر و خود حکومتگران این کشورها هم آلترونیوی اقتصادی ای در مقابلش نمی یابند. تا دیروز که دو بلوک سرمایه داری (خصوصی و دولتی) که در مقابل یکدیگر قرار گرفته بودند، شاید یکی علیه دیگری (البته در همان چهارچوبهای که داشتند) حرفی می زدند، ولی امروز که بلوکی بنام شرق (سرمایه داری دولتی) مانده، سرمایه داران چه حرف دیگری دارند بزنند.

## تصحیح و پرورش

در صفحه بندی ستون سوم مطلب نامه "سردبیر" بنام "کارگر امروز به زبان کردی و عربی" در شماره قبل اشتباهی صورت گرفته بود که ضمن پرورش ستون سوم را در اینجا به چاپ رسانده ایم.

امید بیشتر در میانمان نشو و نما می کند.

اخیرا محافل کمونیستی و کارگری عرب جنوب عراق با توجه به اهمیت و موقعیت

فکر می کنیم که دوران وعده و وعید برای "رفاه" سپری شده باشد و سرمایه داران تنها به زور متوسل می شوند تا هر صدای اعتراضی که علیه وضع موجود بر می خیزد را خفه کنند.

ولی آیا سرمایه داران موفق خواهند شد که صدای اعتراضی کارگران را خفه کنند و بر آن غلبه یابند؟ این وضعیت وارونه قرار است تا کی اینطور باشد؟ جواب این سوالات قطعا آری یا خیر تستی نمی تواند باشد.

موفقیت و شکست و حتی نابودی سرمایه داران دقیقا بستگی دارد به میزان اتحاد و تشکل سراسری کارگران در سطح بین المللی و درجه قدرتمندی جنبش سوسیالیستی کارگران.

کارگران در اکثر کشورها، تشکلهای خود (اتحادیه ها) را دارند. البته اینجا قصد این نیست که اتحادیه ها ارزیابی و بررسی شوند، که آیا ظرف مناسب مبارزه کارگران هستند یا نه؟ هر بررسی که از اتحادیه ها داشته باشیم، در شرایط کنونی، این اتحادیه ها تشکل رسمی کارگران است. جنبش کارگری زمانی بیشتر و قدرتمند می شود که بغیر از مبارزات روزمره مثل افزایش دستمزد، بیمه بیکاری، علیه اخراج تصویر کاملا روشن (مخصوصا رهبران کارگری)، از مبارزه آینده و سوسیالیسم داشته باشند. مهمی که متأسفانه، اکنون افت کرده است.

بگذریم از اذهان عمومی که چه تصویری از کمونیسم و سوسیالیسم پیدا کرده اند و فوری به استالین و وضعیت کنونی شوروی "که چه شد" اشاره می کنند، این تصویر به صفوف کارگران نیز نفوذ کرده است.

مثلا خیلی ناراحت کننده است که کسی مثل اوفه تامسون که دبیر فدراسیون یک اتحادیه کارگری دانمارک و خود را چپ و حتی سوسیالیست می داند، نداند که سوسیالیسم بمعنای واقعی یعنی چه؟ و وقتی بحث از سوسیالیسم و یا جنبش سوسیالیستی هم می کنند، آنرا بمعنای دولتی آن بکار می برند، و حتی روایت مارکس از سوسیالیسم به شرایط کنونی را واقع بینی نمی داند.

برای رهبرانی که سوسیالیسم را نه به روایت مارکس، بلکه به روایت بورژوازی فهمیده و درک کرده اند، البته عجیب نیست که حتی مثلا یک جامعه دمکراتیک (حتی بمعنای واقعی آن) را سوسیالیستی بنامند.

طبعاً شکست سرمایه داری دولتی که بنام سوسیالیسم ظاهر شده بود تعرض زیادی

این نشریه، تصمیم گرفتند که نسخه عربی کارگر امروز را انتشار دهند. البته بعلت کمبود امکانات، سطح پائین انسجام در تشکل کارگری و کمونیستی و ناتوانی شان در ترجمه بخش های فارسی، در حال حاضر بخش انگلیسی آن را به عربی ترجمه و منتشر می کنند که تاکنون چند شمارهای به زبان عربی انتشار یافته است. ولی در نظر دارند که در آینده نزدیک و با همکاری محافل و جریانهای کمونیستی کردستان کل نشریه را به عربی انتشار دهند.

را علیه جنبش سوسیالیستی باعث شده و مبارزه علیه این تصویر بورژوازی (موجود) تلاش خستگی ناپذیر زیادی را می طلبد و باید این راه را محکم پیمود و بطور عینی نشان داد که سوسیالیسم چیست؟

از سوسیالیسم یک هیولای وحشتناک و یا یک رویای دست نیافتنی ساخته اند. و این تصویر دو روی یک سکه اند تا کارگران را نسبت به آن دورتر و مایوس شوند.

سوسیالیسم خیلی ساده و روشن است: لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی. تولید نه برای سود آندوژی عده ای و در دست عده محدود، بلکه تمام ثروتها را برای جامعه و وقتی سرمایه نباشد، زندگی شاد و برابر انسانها چرا امکان پذیر نیست؟ پس باید این آلترونیوی را هر چه بیشتر اشاعه داد تا بار دیگر بتوان بر این تصورات موجود غلبه کرد. باید گفت که تمام مصائبی که بشریت دست به گریبان آتست بی راه حل نیست. اگر فاشیسم در حال رشد هست، مهمترین عامل دلیل اقتصادی است. بحرانهای عمیق موجود و بیکاری روزافزون، باعث گرویدن مردم به احزاب دست راستی و فاشیستی شده است. تمام این مصائب ناشی از وجود همین نظم موجود است. باید به پایه های این نظام یعنی سرمایه دست برد و آنرا نابود ساخت.

در عین حال پولاریزاسیون جامعه بیش از هر زمان دیگریست و صحت حرفهای مارکس در مورد سرمایه و سرمایه داری بیش از هر زمان دیگری خود را نشان داده و لازم است که تمام رهبران کارگران در تمام کشورهای مختلف پی این مسئله پی ببرند. پی ببرند که سرمایه داری دولتی سوسیالیسم نیست، آنها (کارگران و رهبران آنها) نباید شوروی را هر چند تا حال خود را، جماهیر سوسیالیستی نامیده، سوسیالیستی بدانند. برای نشان دادن حکومت کارگران باید دقیقاً به کمون پاریس و انقلاب اکتبر شوروی اشاره کرد.

بندهی است که تا جامعه طبقاتی هست، صحت حرفهای مارکس کماکان به قوت خود باقی است، کسانی مثل اوفه تامسون که دبیر فدراسیون یک اتحادیه با ۸ هزار عضو است، و اگر این نوع دبیرها نه هشت هزار بلکه هشت میلیارد عضو هم داشته باشند مادام که سوسیالیسم را به روایت مارکس نبینند و درک نکنند، مسلماً آینده خیلی تاریکی را مجسم می کنند.

بهروز ناصری مارس ۹۲ - ترکیه

در کردستان هم ضرورت انتشار کارگر امروز به زبان کردی مدتیه است که در میان بسیاری از فعالین جنبش کارگری احساس شده است. به این منظور ما همچون جمع همکار کارگر امروز در کردستان عراق تصمیم گرفتیم که چنین وظیفه ای را بر عهده بگیریم و ماهانه همان شمارهای را که شما انتشار می دهید بدون هیچ دخل و تصرفی به کردی ترجمه کنیم و در اینجا توزیع نماییم. در حال حاضر شماره ۱۹ کارگر امروز را به زبان کردی توزیع می کنیم.

## اشغال کارخانجات کشتی سازی در آلمان

مرکز خبری کارگر امروز:

از اواخر فوریه تاکنون، هزاران کارگر صنایع کشتی سازی و تعمیر کشتی در شرق آلمان در اعتراض به خصوصی شدن این صنایع و برای حفظ مشاغل، بزرگترین کارخانه های کشتی سازی این کشور را به اشغال خود درآوردند. به گزارش "متال" نشریه فلزکاران آلمان، روز ۲۶ فوریه، حدود ۳۰۰۰ کارگر کشتی سازی در شهر "ویسمار" دروازه اصلی کارخانه را با یک زنجیر کلفت مسدود کردند. یکروز بعد کارگران کارخانه موتور دیزل در شهر "روستوک" با اشغال کارخانه به آکسیون پیوستند. این کارگران جزئی از ۲۰۰۰۰ کارگر آلمان شرقی سابق هستند که با خطر اخراج و بیکاری روبرو شدند. روز ۲۷ فوریه، بیش از ۱۰۰۰ کارگر شرکت ذوب آهن "اکو"، در اعتراض به فروش احتمالی شرکت یکی از اتویان های اصلی در اطراف شهر برلین را به مدت یکساعت با اجتماع خود بستند. پلیس برلین در حال حاضر در جستجوی کارگران معترض است. زیرا تظاهرات آنروز از طرف پلیس و مقامات استان "براندبورگ" ممنوع اعلام شد. روز ۲۸ فوریه، ۹۰۰ کارگر موتورسازی "دام آرم" در روستوک به جنبش اعتراضی علیه سیاست خصوصی کردن کارخانجات توسط دولت پیوستند. کارگران در این دوره از مبارزات خود با اعتصابات سمبلیک و کم کاری و اشغال کارخانه برای حفظ مشاغل پیا خاستند. در همین روز ۳۵۰۰۰ کارگر معدن در شهر "هوارسودا" واقع در شرق آلمان با

مطالبه مشابه یعنی حفظ مشاغل دست به راهپیمایی زدند. روز سوم مارس، ۳۰۰۰ کارگر کشتی سازی در شهر "وارن موند" به جنبش اعتراضی کارگران کشتی سازی پیوستند. تا این روز بیش از ۱۰۰۰۰ کارگر کارخانجات کشتی سازی استان "مکلنبورگ" را اشغال کردند. این در حالیست که تولید ادامه دارد. روز چهارم مارس، ۵۰۰۰ کارگر در مقابل کاخ صدارت اجتماع کردند. آنها لنگر عظیمی را که به همراه داشتند در مقابل پلهای کاخ گذاشتند و اعلام کردند که "کسی که بتواند این لنگر را بردارد ما را هم از میان خواهد برداشت. روز یازدهم مارس، یکروز پس از اعلام تصمیم نهایی دولت استان "مکلنبورگ" مبنی بر فروش و خصوصی نمودن کشتی سازی های استان شمالی آلمان، در حالیکه بیش از دو هفته از اشغال سمبلیک کارخانه ها میگذشت، بیش از ۶۰۰۰ کارگر کشتی ساز در اعتراض به تصمیم دولت در شهر "شورین" مرکز استان مزبور دست به تظاهرات و برگزاری میتینگ زدند. تصمیم دولت درباره واحدهای عظیم کشتی سازی شمال آلمان نزدیک به ۳ هزار را بیکار خواهد کرد.

اتحادیه کارگران فولاد و فلز بعنوان راه حل پیشنهاد کرد که کشتی سازی ها نه تک تک و هر کدام به خریداران جداگانه بلکه یکجا و توسط یک شرکت بزرگ خریداری شود.

## گسترش وسیع بیکاری در شوروی

مرکز خبری کارگر امروز:

بیکار خواهند شد. این میزان برابر با ۱۲ درصد نیروی کار است. ۳۰ میلیون کارگر دیگر در خطر اخراج قرار دارند زیرا به آنها حقوق تعلق می گیرد بدون اینکه بطور دائم مشغول کار باشند. اگر حتی نیمی از آنها بیکار شوند تعداد اخراجی ها معادل ۲۴ درصد نیروی کار خواهد شد. در سال ۱۹۳۴، در اوج "بحران بزرگ" آمریکا ۲۴/۹ درصد نیروی کار این کشور بیکار بود.

## اعتصاب کارگران شکر در جزایر کارائیب

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۶ مارس، مذاکرات بین اتحادیه های کارگران تولید شکر و کارفرماها بر سر افزایش دستمزد کارگران آغاز شد. اعتصاب کارگران در جامائیکا و باربیدوس صنایع شکر را در جزایر کارائیب مختل کرده است. به گزارش تایمزمالی، در جامائیکا کار در ۷ مزرعه از ۹ مزرعه نیشکر بدلیل اعتصاب تعطیل شده است. در حالیکه اتحادیه های کارگران خواهان ۲۰۰ درصد افزایش دستمزد هستند، صاحبان مزارع پیشنهاد ۵۰ درصد افزایش

## دادگاه کانادا سه فعال اتحادیه کارگران پست را به زندان محکوم کرد

بقیه از صفحه اول

عضو اتحادیه را به دادگاه خواهد کشاند! دادگاه در روز ۱۷ فوریه سال ۹۲ این فعالین اتحادیه را به حبس محکوم کرد. کارگران پست کانادا در اعتراض به سیستم قضایی کانادا و محکومیت سه فعال اتحادیه کمپین های وسیعی را سازمان دادند. یکی از اعلامیه های که به این منظور به چاپ رسید چنین نوشت: ما باید به روشنی نشان دهیم که کارگران نمی گذارند که دولت حق اعتصاب و حق پیکت را از بین ببرد. ما جریمه و زندانی شدن فعالین اتحادیه را تحمل نخواهیم کرد. کولومبار محکوم شد زیرا برای حقوق کارگران در مقابل کارفرماها ایستاد.



نامه رضا مقدم به اتحادیه پست کانادا،

## همبستگی با کارگران پست کانادا

به:

- ژان کلود پروت، پرزیدنت اتحادیه کارگران پست کانادا
- کمیته اجرائی سراسری اتحادیه کارگران پست کانادا
- پرزیدنت و کمیته اجرائی اتحادیه کارگران پست کانادا - لوکال تورانتو

رفقای گرامی،

با انزجار شدید از خبر حکم زندانی شدن ۳ تن از اعضای اتحادیه کارگران پست کانادا، آندره کولومبار، جیم لورنس و ران پولارد، بخاطر شرکت در پیکت اعتصاب تابستان گذشته مطلع شدیم. ما با آندره کولومبار و سایر آن رفقا در خوار شمردن قانونی که کارگران را از حق دفاع از خود بشکل عمل دسته جمعی محروم می کند، مشترکیم. این واقعه این نکته را بار دیگر تاکید می کند که دو دسته قانون وجود دارد: یکی

برای سرمایه داران و کارفرماها، و یکی برای کارگران، که هر دوتایشان هم توسط سرمایه داران و دولتپایشان نوشته شده است. جنایتکاران واقعی کسانی هستند که بشیوه های کاملاً "قانونی" و "صلح آمیز" به شغل کارگران و حق آنان برای اعتصاب و پیکت حمله می کنند، کسانی که رهبران کارگری و اعضای اتحادیه ها را بزندان می افکنند. ما بروی این دهن کجی به عدالت تف می کنیم. کارگر امروز، با انتشار اخبار و اطلاعات در باره این اعتصاب، از جمله مصاحبه با آندره کولومبار در شماره سپتامبر سال گذشته، بسهم کوچک خود، در مبارزه شما شرکت داشته است. مطمئنیم که در آینده نزدیک اخبار بیشتری از مبارزه و پیروزیهای شما منتشر خواهیم کرد.

رفیقانه،  
رضا مقدم  
سرمدبیر کارگر امروز  
مارس ۱۹۹۲

## آلمان در آستانه اعتصابات کارگری

بقیه از صفحه اول

به گزارش تایمزمالی، در حال حاضر برای رفع اختلافات بر سر دستمزد میانجی تعیین شده است و اگر این اقدام نیز بی نتیجه بماند یکی از بزرگترین اعتصابات کارگران دولت از سال ۱۹۷۴، آغاز خواهد شد. اتحادیه کارگران خدمات عمومی که ۲/۳ میلیون عضو دارد خواهان ۹/۵ درصد افزایش دستمزد است در حالیکه دولت در طی مذاکرات هفته اول ماه مارس پیشنهاد ۳/۵ درصد افزایش دستمزد را داد. نرخ تورم در آلمان ۴/۵ درصد است. اتحادیه این پیشنهاد را "مطلقاً غیرقابل قبول" خواند. نمایندگان اتحادیه

کارگران پست با ۲۴۰ هزار عضو و کارگران راه آهن با ۱۱۰ هزار عضو این پیشنهاد را رد کردند و در اعتراض به این پیشنهاد دست به اعتصاب اختطاری زدند. روز ۱۰ مارس، اعتصاب و کم کاری کارگران راه آهن باعث تاخیر قطارها شد. اعتصابات اختطاری کارگران در سراسر کشور تا روز ۱۹ مارس یعنی آغاز دومین دور مذاکرات ادامه داشت. روز ۲۳ مارس، اتحادیه اعلام کرد که مذاکرات بی نتیجه بود. مذاکرات برای افزایش دستمزد ۴ میلیون کارگر بخش مهندسی نیز ادامه دارد. اتحادیه فلزکاران آلمان خواهان ۹ درصد افزایش دستمزد است.

## اخبار کوتاه

**آمریکا، افزایش نرخ بیکاری**  
نرخ بیکاری آمریکا در ماه گذشته از ۷/۱ درصد به ۷/۳ درصد افزایش یافت. این میزان بالاترین نرخ بیکاری این کشور در ۷ سال اخیر است.

**بریتانیا، ممنوعیت اعتصاب در قرارداد**  
روز ۲۰ مارس، چند اتحادیه در بخش خدمات درمانی قراردادی را امضا کردند که در آن اعتصاب ممنوع است. کارفرما در این قرارداد تراست "هوم رود" است. این تراست ۱۰۰۰ کارمند در استخدام دارد.

**استرالیا، افزایش بیکاری**  
در ماه فوریه نرخ بیکاری در استرالیا به ۱۰/۵ درصد رسید و نسبت به نرخ بیکاری در ژانویه ۱۱ درصد افزایش یافت. به گفته وزیر کار استرالیا احتمال می رود که نرخ بیکاری این کشور تا ماه ژوئن به ۱۰/۷۵ درصد برسد.

## ادغام دو اتحادیه در بریتانیا

مرکز خبری کارگر امروز:

اعضا اتحادیه کارگران بخش مهندسی و اتحادیه کارگران الکتریسیس با اکثریت آرا به ادغام دو اتحادیه و تشکیل یک اتحادیه جدید رای مثبت دادند. این اتحادیه از لحاظ تعداد اعضا دومین اتحادیه کارگری بریتانیا خواهد بود. به گزارش تایمزمالی، ۸۵ درصد کارگران موافق ادغام دو اتحادیه بودند. ترکیب این دو اتحادیه احتمالاً الگویی برای اتحادیه های دیگر خواهد شد که بدلیل وضعیت اقتصادی تعداد اعضایشان کاهش یافته و از لحاظ مالی در مضیفه هستند. اتحادیه جدید ۹۵۰ هزار عضو دارد.

## ۱۱ کارگر نفت دریای شمال کشته شدند

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۱۵ مارس، با سقوط هلیکوپتری که کارگران نفت را از پلاتفرم کمپانی شل به خشکی می برد، ۱۱ کارگر کشته شدند. به گزارش تایمزمالی، روز ۱۶ مارس، کارگران نفت با نمایندگان کمپانی شل برای رسیدگی به علل سقوط هلیکوپتر مذاکره کردند و کارگران خواهان وضع مقررات و قوانین ایمنی محکم تری برای هلیکوپترهای دریای شمال شدند. "رانی مک دونالد" رئیس کمیته کارگران نفت دریای شمال در اینمورد گفت: باید سوالات جدی ای در مورد این جستجو و نجات در دریای شمال پرسیده شود. تاکنون گروههای نجات اجساد ۵ کارگر را یافته اند و جستجو برای یافتن اجساد بقیه قربانیان ادامه دارد. در این سانحه ۶ کارگر زنده ماندند.

وزیر راه و ترابری ایتالیا،

تهدید اعتصابیون  
به پنج سال زندان

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۱۳ مارس بدنبال اعتصاب کارگران بخش کنترل هوایی برای بهبود شرایط کار اکثریت پروازهای ایتالیا تعطیل شد.

به گزارش تایمزمالی، "آلیتالیا" هواپیمایی دولتی ایتالیا اعلام کرد که بدلیل اعتصاب کارگران از ۹ صبح تا ۲ بعدازظهر، تنها ۹ پرواز از مجموع ۹۰ پرواز داخلی و ۸ پرواز از مجموع ۱۱۰ پرواز بین المللی صورت گرفت. قرار بود که اعتصاب کارگران بدت ۴ روز ادامه یابد اما با دخالت دولت ایتالیا اعتصاب متوقف شد.

روز ۱۵ مارس، وزیر راه و ترابری ایتالیا به کارگران اعتصابی دستور داد که در سرکار حاضر شوند و تهدید نمود هر کس که از این فرمان سرپیچی کند به ۵ سال زندان محکوم خواهد شد!

ممنوعیت افزایش  
دستمزد کارگران  
در یونان

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۱۳ مارس، پارلمان یونان قانونی را به تصویب رساند که طبق آن افزایش دستمزد ۵۰۰ هزار کارگر بخش خدمات عمومی در سال جاری ممنوع شد. این لایحه بدنبال موج اعتصابات کارگران بانک ها و خدمات عمومی که در سال گذشته علیرغم پیشنهاد دولت مبنی بر حداکثر ۷/۲ درصد افزایش دستمزد به ۱۷ درصد افزایش دستمزد دست یافتند تصویب شد.

روز ۹ مارس، قبل از تصویب قانون کارگران اعتصابی بانک ها، برق و ترانسپورت در اعتراض به لایحه انجماد دستمزد دولت به مدت ۴ روز در مقابل ساختمان وزارت اقتصاد کشور دست به تظاهرات زدند.

انجماد دستمزد  
کارگران ذوب فلز  
در بریتانیا

مرکز خبری کارگر امروز:

رهبران اتحادیه کارگران ذوب فلز که بیش از ۱۰ هزار عضو دارد یک انجماد دستمزد ۶ ماهه را پذیرفتند. این تصمیم افزایش دستمزد کارگران مهندسی بخش های دیگر را دشوار خواهد کرد.

به گزارش تایمزمالی، این اولین توافق بر سر انجماد دستمزد توسط کارگرانی است که افزایش دستمزدشان از طریق قرارداد کمپانی سراسری چند ملیتی تعیین می شود. از آنجا که سه سال قبل مسئله یک قرارداد سراسری که تمام کارگران بخش مهندسی را در بر گیرد به سرانجام نرسید، کارفرمایان این بخش از قرارداد جدید کارگران ذوب فلز بعنوان الگویی در مذاکرات بر سر دستمزد استفاده خواهند کرد.

چگونگی تعیین روز اول ماه مه و  
برگزاری اولین سال روز کارگر

تلفیصی از: نوشته خ. میانش، کتاب جمعه، شماره ۳۳

بقیه از صفحه اول

نمایندگان با تظاهرات یک روز در سال مخالفتی ندارند. اصل مطلب تصویب می شود. اما چه روزی را برگزینند؟ ۱۴ ژوئیه (روز سقوط باستیل و پیروزی انقلاب فرانسه در ۱۷۹۸)، ۱۸ مارس (استقرار کمون پاریس در ۱۸۷۱)؟ سخنگوی کارگران آمریکا می گوید که کنگره آنان در سال ۱۸۸۸ روز اول ماه مه را برگزیده است و قرار است که فدراسیون سندیکا های کارگران آمریکا برای اولین بار تظاهرات خود را روز اول ماه مه برگزار کند. برای انتخاب این روز رای می گیرند و تصویب می شود.

کنگره انترناسیونال در پاریس و  
قطعنامه جشن اول ماه مه

یک نمایش بزرگ بین المللی با تاریخی ثابت سازمان داده خواهد شد. به نحوی که کارگران در تمام کشورها و همه شهرها در آن واحد و در یک روز معین،

کنند دیگر نخواهند پذیرفت. دولت نیز به سهم خود دست بکار شد. پادگان برلین سهام کافی دریافت کرد. از همه مدیران کارخانه ها درخواست شد کوچکترین حرکتی را فوراً به کلانتری محل و شهربانی اطلاع دهند. اما کارگران روحیه خود را حفظ کردند و این تدارکات کوچکترین خللی در روحیه آنان وارد نیارود. به محض اینکه اعلان ممنوعیت غیبت از کارخانه صادر شد، اولین دسته از کارگران اعتصاب خود را آغاز کردند. همین روزنامه ارتجاعی گزارش داد که کارگران هامبورگ، روستوک، برلین، فرانکفورت، کلن، لایپزیک و مونیخ علیرغم تهدیدات کارفرمایان دست به اعتصاب زدند. با توجه به اینکه کارفرمایان به قول خود دایر بر اخراج کارگران "وفا" کردند، در بسیاری از نقاط اعتصاب کارگران ادامه یافت. مثلاً بندر هامبورگ در پانزده روز اول ماه مه ۱۸۹۰ کلا فلج شده بود.

اتریش: در اتریش جنبش اعتصابی ظاهراً مهم و عمومی بود. بملاوه در پارهای نقاط به نظر می رسد که اعتصاب کارگران طی روزهای بعدی هم ادامه یافت. تظاهرات اول ماه مه در وین

طلوع می کرد، صد هزار نفر از صد و ده هزار کارگر معدنچی آن کشور، اعتصاب را شروع کرده بودند. کارگران در تمام کشور دست به اعتصاب زدند. مهمترین این نمایشات در شهر "شارل روآبا" با شرکت ۱۵ هزار نفر برگزار شد. در بروکسل نیز ۱۵ هزار نفر به تظاهرات پرداختند.

فوانسه: تظاهرات در فرانسه و بویژه در پاریس ممنوع اعلام شد. تظاهرات در پاریس قرار بود به محل پارلمان برود و در آنجا عریضه های حاوی درخواست تقلیل مدت کار به هشت ساعت در روز تقدیم مجلس کند. علاوه بر ۳۴ هزار هزار سرباز مستقر در پاریس از شهرستانها نیز کمک خواسته شد. چند پرچم سرخ با شعار "اول ماه مه، هشت ساعت کار" پائین کشیده شد. هیات نمایندگی کارگران که مرکب از برخی اعضای پارلمان و رهبران جنبش سندیکایی و احزاب چپ بود در نزدیکی میدان کونکور دستگیر شد. نمایندگان مجلس با نشان دادن کارت نمایندگی موفق شدند به راه خود ادامه دهند. اما نظامیان از پیشروی جمعیت جلوگیری کردند. در حالیکه هیات نمایندگی با رئیس مجلس درباره عریضه صحبت می کردند، پلیس با حمله به تظاهر کنندگان تظاهرات آرام را به زد و خوردی خشن مبدل کرد.

کشورهای اسکاندیناوی: در این ممالک هم اعتصاب و هم تظاهرات انجام گرفت. در شهر استکهلم بیش از ۱۰۰ هزار نفر گرد آمدند و به سخنان "پالم" و "برانتینگ" گوش فرادادند.

لهستان: انجام تظاهرات اول ماه مه در کشوری مانند لهستان که در اختناق سیاسی شدیدی بسر می برد عمل خارق العادهای بود. باید توجه داشت که در کنگره انترناسیونال، نماینده روسیه، گنورکی پلخانف با تصویب قطعنامه مخالفت کرده بود، زیرا تحقق آنرا در روسیه ممکن نمی دانست. نخستین تظاهرات اول ماه مه این کشور در سال ۱۸۹۱ برگزار شد. اما در شهر ورشو کارگران صنعتی کار را تعطیل کردند. بمناسبت اول ماه مه نخستین اعلامیه های سیاسی که در چاپخانه ای مخفی بچاپ رسیده بود پخش شد. اول ماه مه شاهد پیدایش نوعی مطبوعات آزاد، یعنی خارج از کنترل مقامات حکومتی و سرکوب کننده بود.

رومانی: در شهر بخارست در روز چهارم ماه مه، چهار هزار نفر در تظاهرات بعد از ظهر شرکت جستند. این تظاهرات به همت "دوره کارگری" بخاطر دفاع از روز کار هشت ساعته برگزار شد. تظاهر کنندگان با حمل پرچم سرخی که روی آن نوشته بود "هشت ساعت کار در روز و نه بیشتر" در خیابان رژه رفتند.

ایالات متحده آمریکا: در آنسوی اقیانوس مپتینگ با شرکت ۲۰ هزار تن در یکی از میدانهای نیویورک برگزار شد. این نمایش از طرف سوسیالیستها برگزار شده بود. در شیکاگو نیز ۳۵ هزار نفر در جشن شرکت کردند و به سخنرانی نجاران اعتصابی گوش دادند. در شهر لویی ویل نیز تظاهراتی با ۲۰ هزار نفر برگزار شد که به دو ساعت سخنرانی ساموئل گوپیه رز، رهبر فدراسیون کار آمریکا، هواداران مبارزه اقتصادی، گوش فرا داد.

آمریکای لاتین: در مکزیک کار تعطیل نشد. اما "دوره کارگری" تظاهراتی را سازمان داد که در آن کارگران مکزیک و کارگران مهاجر اروپا در کنار هم شرکت جستند.

کوبا: علیرغم انحلال اتحادیه کارگران سیگار سازی، اعتصاب آنها و کارگران نجاریها انجام شد. هر نوع نمایشی در روز اول ماه مه ممنوع اعلام شده بود. والی اسپانیولی جرینه تنها اجازه داده بود که بین ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر جلسهای در تالاری برگزار شود. با رسیدن این خبر که لویی میشل، زن انقلابی فرانسوی، شب قبل در پاریس دستگیر شده، کارگران به خیابان ریخته و بسوی محل برگزاری جلسه روان شدند. سخنرانان هشت گانه اعلام داشتند که تجمع کارگران بخاطر اعتراض به انحلال اتحادیه کارگران سیگار ساز نیست، بلکه برای ابراز همبستگی با کارگرانی است که در سراسر اروپا و آمریکا این روز را جشن می گیرند و نیز با کارگرانی که دولتهای استبدادی از برگزاری جشن آنها معانعت بعمل می آورند.



پوستر اول ماه در سال ۱۹۰۳ - سوئد

ایتالیا: در شهر رم حکومت نظامی اعلام شد و ارتش تمام بناهای مهم را اشغال کرد. اما بعد تمام این پیشگیریهای رم یکپارچه تعطیل شد و هیچگونه تظاهراتی رخ نداد. در شهر "لی ورنو" بین مردم و ژاندارمری زد و خوردی رخ داد. در فلورانس علیرغم حضور نیروی پلیس، تظاهرات با آرامش انجام گرفت. در شهر صنعتی تورینو، اشغال نظامی ساختمانهای دولتی و دستگیری فعالین سیاسی و سندیکایی، سرانجام به درگیری خیابانی کشید. عدهای زخمی و تعداد دیگری دستگیر شدند.

اسپانیا: در این کشور تظاهرات و اعتصابات در چهل شهر انجام شد. در شهر بارسلون تظاهرات خشونت آمیزتر از هر جای دیگر بود. در اثر حمله پلیس چند نفر به قتل رسیدند و دهها نفر زخمی شدند. در مادرید ۲۰ هزار نفر در تظاهراتی آرام شرکت جستند. قطعنامه انترناسیونال طی مراسمی به نخست وزیر تقدیم شد. "مساگاستا" نماینده حزب کارگران اسپانیا، اعلام داشت که برای قبولاندن اصلاحات مورد نظر حزب کوشش خواهد کرد.

بسیار مهم بود و تعداد شرکت کنندگان تا ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده شد. در شهر بوداپست تظاهرات ممنوع اعلام شد و با اینهمه سی هزار تن از کارگران در آن شهر گرد آمدند.

انگلستان: کمیته جشن اول ماه مه در انگلستان تصمیم گرفت که این جشن نه روز پنج شنبه اول ماه بلکه روز چهارم، یکشنبه برگزار شود. به عدهای از کارگران این احساس دست داد که به قطعنامه بین المللی خیانت شده است. شورای فدراسیون سازمانهای کارگری طی فراخوانی کارگران را به تظاهرات دعوت کرد. در تظاهرات اول ماه مه، دو هزار کارگر شرکت کردند. اما در روز یک شنبه جشن اول ماه مه در هاید پارک برگزار شد مهمترین و بزرگترین نمایش آن سال در سراسر دنیا بود. تعداد شرکت کنندگان نیم میلیون اعلام شد.

بلژیک: روز اول ماه مه هنگامی که آفتاب

مقامات دولتی را در مقابل این مسئولیت قرار دهند که قانونا روزانه کار را به هشت ساعت کاهش دهند و دیگر قطعنامه های کنگره انترناسیونال پاریس را به مورد اجرا گذارند. با توجه به اینکه چنین نمایشی توسط کنگره فدراسیون سندیکاهای کارگران آمریکا در دسامبر ۱۸۸۸ (در شهر سن لویژ) برای روز اول ماه ۱۸۹۰ پیش بینی شده است، این تاریخ برای روز نمایش بین المللی برگزیده می شود. کارگران کشورهای مختلف وظیفه خواهند داشت این نمایش را در اوضاع و احوالی که وضعیت ویژه کشورشان به آنها تحمیل می کند، برگزار کنند.

نخستین جشن اول ماه مه در جهان

آلمان: در آستانه برگزاری نخستین نمایش اول ماه مه روزنامه ارتجاعی "مذاکرات" از برلین گزارش داد که کارفرمایان با کوشش فراوان از در مخالفت درآمدند و اعلام کردند کارگرانی را که در روز اول ماه غیبت

## حسین ثقفی از فعالین جنبش کارگری ایران: در قانون کار چیزی ندیده ایم که به آن دلخوش باشیم

حسین ثقفی از فعالین جنبش کارگری ایران است که اخیراً به خارج کشور مهاجرت کرده است. شهلا دانشگر همکار کارگر امروز با وی پیرامون مسائل جنبش کارگری و اوضاع کارگران ایران گفتگویی انجام داده است که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

چه تصویری از وضع جنبش کارگری در ایران دارید و در میان کارگران عموماً چه چشم اندازی نسبت به آینده وجود دارد؟  
وضعیت کارگران تابعی از شرایط امروز و اوضاع عمومی جامعه است. اوضاع اقتصادی و شرایطی که کارگر در آن کار می کند (دستمزدهای کم، ساعت کار طولانی و...) باعث شده که همه بناچار به فکر در آوردن خرج همانروز خود باشند. دستمزدها آنقدر پایین است که کارگر همیشه بدهکار ماه قبل است. طبیعی است که پس از ۱۲ ساعت کار دیگر وقتی برای کارگر باقی نمی ماند که به رفیقی سر بزند و در مورد زندگی و شرایط خود و طبقه کارگر چند ساعتی همفکری کند. روز تعطیل هم باید دنبال نفت و جنس کوپنی و بدبختی های دیگر بود. در چنین وضعی چه انتظاری می توان داشت؟  
جنبش کارگری در حالت تدافعی است و مطالبه و خواستههایی هم که مطرح می شود در چهارچوب اینست که دستمزد ترمیم شود و عمدتاً بر سر دریافتی هاست، در واقع برای حفظ قدرت خرید موجود است چرا که قدرت خرید کارگر هرروز کمتر می شود. کارگر چیز جدیدی مطالبه نمی کند. کارگر می خواهد وضعیت امروز را نسبت به دیروز خود حفظ کند، چون هر روز شرایط برای کارگر بدتر می شود.

در این اوضاع حرکتها و اعتراضات کارگری حالت عصبیانه دارد و آنچه آن سازمان یافته نیست. یک مرتبه جرقه ای می زند و جوششی بوجود می آید. این حرکات اگر سازمان یافته هم باشد، سازمان آن بسیار ضعیف است. ارتباطات و سازماندهی تا حدی هست ولی به اندازه ای نیست که حرکتها را از حالت عصبیانه و شورشی خود خارج سازد. بهمین دلیل نیز خیلی از اوقات با یک لیست طولانی از خواستههای کارگران روبرو می شویم که همه آن را می توان در افزایش دستمزد خلاصه و بیان کرد. گاه آنقدر لیست مطالبات ریز می شود، از صابون برای دستشویی و کفش ایمنی تا اضافه دستمزد و طبقه بندی مشاغل همه در یک لیست با ۳۰ تا ۴۰ خواسته می آید، و طبیعی است که کارفرما با دادن یک دو خواسته کوچک سعی می کند مبارزه کارگران را به تفرقه بکشاند. این نشان سازمان نیافتگی کامل این حرکات است.

رژیم حداقل دستمزد سراسری در سال ۷۱ را ۲۲۶ تومان در روز اعلام کرده است. چه زمینه هایی برای این تغییر وجود داشت و فکر می کنید عکس العمل کارگران در مقابل آن چه خواهد بود و چه بحث هایی حول و حوش آن در میان کارگران بوجود خواهد آمد؟  
کارگر دیگر قادر نیست به این وضع ادامه دهد. آش آنقدر شور است که خودشان هم به آن معترفند. همین چندی پیش محبوب دبیرکل خانه کارگر گفت که دستمزد کارگران باید دو برابر شود و این دو برابر تازه حداقل مسکن،

اعتراضات خبر اعتراض کارگران نی بر کارون را آورده بود و باز در یکی از شماره های آن و در لابلای اخبارش خبر دیگری از یکی از کارخانجات دیدم که حاکی از اعتصاب کارگران در آنجا بود. جمع عمومی شکل منظمی ندارد و همان تجمعاتی است که چه در نهارخوری و وقت نهار و چه در تجمعات هنگام اعتراض بر پا می شود. طبیعی است که برای هر حرکتی کارگران جمع می شوند و در بعضی حرکات کارگری تصمیم گیری و اینکه چه موقع به اعتصاب پایان دهند و غیره در مجمعه گرفته است. ولی این شکل عمومی و غالبی نیست. البته وقتی اعتصاب حاد می شود کارگران مجبورند جمع شوند، تصمیم بگیرند و ضبط و ربط بین کارگران و نمایندگان کارگری در همین جمعها صورت می گیرد.

سنت نمایندگی و انتخاب نماینده از جانب کارگران چگونه است؟ بنظر می رسد که در شرایط فعلی این یکی از راههایی است که کارگران می توانند اراده خود را از طریق آن اعمال کنند، بدون اینکه خطر جدی ای آنها را تهدید کند. مشاهدات شما در این زمینه چگونه است؟

اتفاق می افتد که از نیروی مسلح پاسداران و تانک و هلیکوپتر و غیره استفاده می کنند، کارگران را به زور پای دستگاهها می برد و شکستن اعتصاب را به کارگران تحمیل می کند.

شوراهای اسلامی چه برخوردی به اعتراضات کارگری دارند؟

سعی می کنند با همان سیاست کجدار و مریز خود جلو بیایند و حتی بعضی اوقات جلو میافتند و خواسته ای مطرح می کنند تا خرده حسابهای خود را با مدیریت حل و فصل کنند. گاه برای گرفتن امتیاز از مدیریت و با اطلاع از زمینه اعتراض، کارگران را به حرکتی تحریک می کنند. شوراهای اسلامی در مجموع خود را طرفدار کارگران جلوه می دهند و تلاش می کنند که آشکارا مقابل کارگران قرار نگیرند. اما به اندازه کافی آبرو باخته هستند و با این سیاستها هیچ اعتباری نزد کارگران ندارند.

ممکن است نمونه ای از مبارزات کارگری را که به آن اشاره کردید مشخصاً ذکر کنید؟

بله. برای نمونه، اعتصاب کارگران نیروگاه زریوار در اهواز. کارگران این



گاهی کارفرما قبول نمی کند در جمع کارگران حاضر شود و می خواهد کارگران نماینده انتخاب کنند تا بر سر خواست کارگران مذاکره شود. در چنین مواقعی کارگران نماینده انتخاب می کنند. حتی بعضاً که شوراهای اسلامی جلو می افتند کارگران سعی می کنند که در کنار آنها نمایندگان خود را برای مذاکره بفرستند. اما عموماً کارگران از نماینده شدن احتراز دارند. کارگران می گویند ما خودمان نماینده ایم و نماینده نمی خواهیم.

برخورد رژیم به اعتراضات کارگری چگونه است؟ رژیم در درجه اول سیاست صبر و تحمل را پیش می گیرد و کاری ندارد. البته به حساسیت مساله و درجه سرایت آن به جاهای دیگر بستگی دارد. ممکن است کارگران ۵ تا ۶ روز بنشینند و سر کار نروند، رژیم کارگران فعال را شناسایی می کند، حتی بعضی اوقات از اجتماعات کارگران عکس می گیرد بعد دستگیری آغاز می شود. خیلی اوقات کارگران از پیش حساب آنرا نکرده اند و در موضع دفاعی قرار می گیرند. خواست آزادی کارگران دستگیر شده به خواست اصلی تبدیل می شود و بقیه خواستهها به حاشیه می رود. آنوقت با آزاد شدن کارگران دستگیر شده و احتمالاً موافقت با یکی دو خواست کوچک اعتراض کارگران خاموش می شود. در سوادری که رژیم می فهمد کارگران خیال کوتاه آمدن ندارند، به زور و به سرکوب رو می آورد. و حتی

نیروگاه که در دست بهره برداری است در اواسط بهمن ماه اسسال اعتصاب داشتند. خواست آنها افزایش دستمزد بود. آنها تصمیم داشتند که بعد از ۲۲ بهمن دست از کار بکشند، را زیرا خواباندن کار در حول و حوش ۲۲ بهمن ممکن بود بهانه ای شود و به مساله رنگ سیاسی دهد و از آن برای سرکوب کارگران بهره گیری شود. روز اعتصاب کارگران در اجتماع خود مدیر عامل را دور کرده بودند و هر کس چیزی می گفت، از پایین بودن دستمزدها، شرایط کار و غیره. مدیر عامل گفته بود که در جمع صحبت نمی کند و تجربه خوبی از این کار ندارد و خواسته بود که کارگران نماینده بفرستند. کارگران سه نماینده انتخاب کردند و برای مذاکره فرستادند اما نتیجه ای نگرفتند و هنوز زرمه های این خواست در میان کارگران هست.

تاثیر قانون کار جمهوری اسلامی در زندگی کارگران چه بوده و نظر شما چیست؟

ما در قانون کار چیزی ندیده ایم که به آن دلخوش باشیم. تازه خود اجرای خیلی چیزها در قانون کار به یکسری آیین نامه محول شده است که هنوز از آنها خبری نیست. برای مثال جمعی کارگر جوشکار که روزانه ده ساعت در داخل لوله جوشکاری می کردند با مراجعه به اداره کار خواهان دیدن آیین نامه در مورد کارهای سخت شدند. کارکنان اداره کار گفتند که متأسفانه آیین نامه آن نوشته نشده است اما جوشکاری در لوله قاعدتاً باید جزو کارهای سخت باشد و چیزی دستگیر کارگران نشد.

ببینید ما سعی می کنیم که با قانون گرایی مبارزه کنیم و بگوییم که قانون کار و اداره کار اساساً نه هستند که معجزه کنند. ولی مساله اینجاست که وقتی کارگر احساس کند که برای کارش پشتوانه قانونی دارد و می تواند لابلای قانون مجوزی پیدا کند، این پشتگرمی حرکت را راحتتر می کند. اما بعضی از کارگران فکر می کنند که مثلاً اگر کاری مجوز قانونی نداشته باشد باید از آن دست کشید. می گویند طبق قانون آنچه می گویی غیرقانونی است. ما خیلی اوقات روی این مساله بحث کرده ایم و گفته ایم خیلی چیزها قانون نبوده است و امروز بصورت قانون در آمده و کارگران توانسته اند آنرا بر سرمایه داران تحمیل کنند. این زور کارگر است که بالاخره به قانون منتهی می شود. قانون سرمایه داران هیچگاه از کارگران دفاع نمی کند. اما اگر کارگران بتوانند در لابلای قانون مواردی را پیدا کنند که چاشنی حرکت آنها باشد مسلماً کارگران با دل و جرات بیشتری برای خواستههایشان مبارزه خواهند کرد و حول آن مبارزه نیروی بیشتری بسیج خواهد شد.

بحث ۳۵ ساعت کار در هفته در میان کارگران پیشرو تا چه حد آنها مطرح است؟ امروز قانون کار خودش برای اضافه کاری و حتی ساعت کار متوالی بدست کارفرماها مجوز داده است. در کارهای پروژه ای که رسماً قرارداد ده ساعته می بندند و در فرمهای خود یکساعت آنرا بابت وقت نهار و یکساعت هم اضافه کاری می نویسند. اکنون ساعت کار معمول بجز کارخانه هایی که شیفتی است و بدلیل مسائل فنی ناچارند هشت ساعت کار را رعایت کنند ۱۴ یا ۱۵ ساعت است. کارگر آش و لاش به خانه باز می گردد. دستمزد آنقدر پایین است که کارگر ناچار است به اضافه کاری تن بدهد. اگر کوچکترین آبراز ناراضیاتی بکند فوراً عذرش را می خواهند و کارگر بیکار و منتظر کار هم در بیرون بسیار است. قانون کار هم می گوید سرمایه گذاری شده است و کار پروژه ای و اضطراری است و کشیدن هرگونه اضافه کاری مجاز است. برای خود من یک زمانی ۱۶ یا ۱۸ ساعت کار قابل تصور نبود ولی اکنون خیلی جاها به ساعت کار معمول تبدیل شده است. بخصوص در جریان بازسازی ها مواقعی بود که کارگر از ۶ صبح تا ۲ شب کار می کرد. در این اوضاع و احوال من بندرت برخورد کرده ام که کارگران بعنوان مطالبه خواهان کاهش ساعت کار و یا ۳۵ کار باشند. بعنوان مبارزه جاری خواست کاهش ساعت کار اکنون بصورت کاهش اضافه کاری مطرح است چون روز کار را طولانی کرده اند. در میان کارگران پیشرو نیز بحث کاهش ساعت کار تا ۳۵ ساعت کار در هفته در حال حاضر مطرح نیست. باید بحث کرد تا این مساله را در میان آنها جا انداخت. وقتی استدلال می کنیم شما ۱۲ ساعت کار می کنید اما خیلی از کارگران بیکارند، اگر ساعت کار به نصف و حتی به سه ساعت در روز تقلیل یابد باز برای همه کار خواهد بود، شما هم اکنون حداقل به جای دو نفر کار می کنید و باید ساعت کار کاهش یابد، بحث را می پذیرند. اما این مساله بعنوان یک خواست و حرکت مشخص و فوری مطرح نیست.



## ناسیونالیسم کرد شیفته دخالت آمریکا و متحدینش در عراق و منطقه بود

"سمکو" (نام مستعار) نویسنده کتاب "یک فعال جنبش شوراهای از کردستان عراق سخن می گوید، درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست" است. این کتاب که اصل آن به زبان کردی است یادداشتهای روزانه نویسنده در جریان تشکیل و فعالیت شوراهایی است که در دل تحولات داخلی عراق پس از آتش بس با آمریکا و متحدینش شکل گرفتند. این کتاب توسط "شیرکو" به فارسی ترجمه و چندین ماه است که منتشر شده است. احمد یوسفی از همکاران کارگر امروز در کردستان با "سمکو" درباره این شوراهای کارگری گفتگویی داشته است که آنرا خواهید خواند.

کارگر امروز: در یادداشتهای شما درباره "یک قیام و..." چنین تصور می شود که قیام از طرف کسانی سازمان داده شده بود و از دست های قیام اسم برده شده است. آیا این برداشت درست است؟

سمکو: قطعاً قیام سازمان نیافت و در یادداشتهای من هم بارها از بی سازمانی و بی نقشه و برنامه‌ی قیام صحبت شده است. اما دسته های قیام چه بودند؟ در آن زمان کم نبودند کسانی مثل ما که منتظر تحولاتی بودند. دولت مرکزی در جنگ خلیج شکست خورده بود، اخبار از هم پاشیدگی ارتش از طریق سربازان فراری به شهرهای کردستان می رسید، شایعه تحریکات توده ای در شهرهای جنوب عراق و حتی بغداد پخش می شد، نیروهای دولتی در شهرهای کردستان روحیه خود را باخته بودند، پندهای سرکوب سست شده بود و کنترل سابق بر اوضاع وجود نداشت. بلحاظ اقتصادی از هم پاشیدگی و بی سر و سامانی حاکم بود و فقر و بیکاری و گرانی بیداد می کرد. همه اینها از بروز اتفاقاتی حکایت می کرد که تا آن لحظه ما مردم کردستان نقشی در آن نداشتیم، همه از عوارض اتفاقاتی بود که در خارج از اینجا رخ می دادند. ما نظاره‌گر بودیم و در انتظار اینکه بالاخره عواقب جنگ خلیج و دخالت آمریکا و متحدینش دولت مرکزی عراق را برمی دارد. اپوزیسیون ناسیونالیست کرد هم هیچ نقشه و ابتکاری برای دخالت در اوضاع نداشت و چنان شیفته دخالت آمریکا و متحدینش در منطقه و عراق بود که حتی علاقه ای به اینکه در شهرهای کردستان چه می گذرد نداشت.

اوضاع فقط جرقه‌ای لازم داشت تا مردم حتی به هر اقدام حساب نشده‌ای دست بزنند. حقیقتش ابتدا بچه های دبستانی به پلیس مسلح در خیابان و کوچه ها سنگ پرانی کردند و صدای شلیک پلیس در خیابان یا کوچه‌ای کافی بود تا زد و خورد شروع بشود. همینطور هم شد. با این تفاوت که عده ای از قبل خود را آماده کرده بودند تا جواب شلیک پلیس را با شلیک بدهند و اینها دسته های قیام نامیده شدند. کاملاً روشن است که این به معنای سازماندهی قیام طبق برنامه و نقشه از پیشی و آمادگی توده کارگر و زحمتکش در قیام نبود. البته فقدان این آمادگی به اشکالات و کمبودهای پایهای تری مربوط است که بحث مفصل و اساسی تری است.

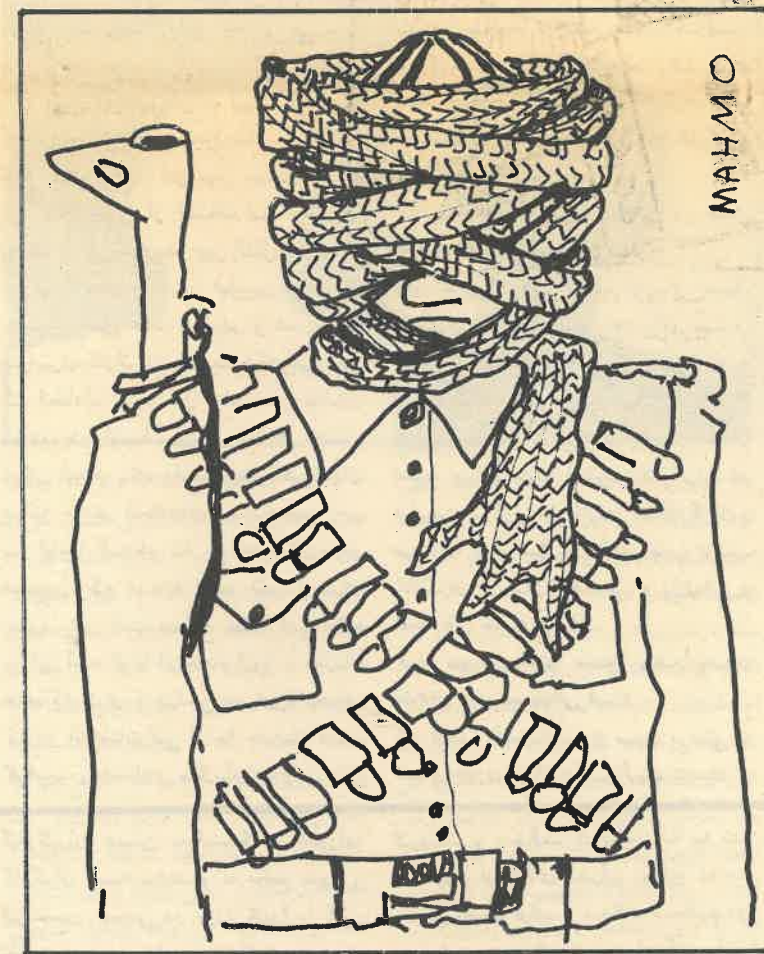
آیا قیام جنبش شورایی چه کسانی بودند، آیا قبل از این جریان چیزی به نام جنبش شورایی سابقه داشت؟ بخصوص آنجا که صحبت از پختی ایده شورایی است، آیا این ایده از قبل در میان کارگران مطرح بوده و با تبلیغ شده بود؟

سمکو: اجازه بدهید اول بگویم که تحریکات توده‌ای در شهرهای کردستان در ابتدا به شکل یک عصیان بود و جنبه های انتقام جویانه قوی‌ای داشت، تقریباً می توانم بگویم که هیچ هدف روشن از پیشی معلوم نبود، اینکه چه کسی می رود و چه کسی بجایش می آید، کجا را باید در هم فرو ریخت و کجا را باید نگه داشت، چه کسی دستور می دهد و چه کسی اطاعت می کند، خلاصه از هیچکدام از اینها خبری نبود. از نظر اکثریت مردم بنا به سنت و عادت یک دور دیگر حضور و حاکمیت سازمانهای مسلح اپوزیسیون در کردستان مفروض بود، و کار آنها زدن ضربهای و عقب نشینی به خانه‌هایشان بود. اما تحولات بعدی در این سناریو تغییراتی بوجود آورد و از اینجا بحث شورا و فعالیت شورایی مطرح شد.

فعالین شورا از فعالین سیاسی و قدیمی بخش رادیکال جنبش ملی در کردستان بودند و تعدادی از آنها همان روزها از زندان آزاد شده بودند. هسته اصلی این فعالین را کمونیستهای مستقل یا وابسته به جریانات کمونیست تشکیل می دادند. اینها ابتدا در تشکیلاتی به نام دسته های پیشبرد جنبش شورایی جمع شدند. این تشکیلات بعداً تجزیه شد و فعالین شورا در تشکلهای شورایی کارگری در محله‌های کار و اساساً محلات کارگری ادغام شدند و بخشی از رهبران و اعضای کمیته ها و شوراهای نمایندگی را تشکیل دادند. در میان اینها کارگران کمونیست و رهبران سرشناس کارگری که مورد اعتماد کارگران هر بخش بودند در جمع آوری توده کارگران و رهبری عملی آنها نقش برجسته و تعیین کننده‌ای بر عهده گرفتند.

بخشهای کمونیسم کارگری در باره جنبش مجمع عمومی و شورا مورد توجه و علاقه بخش رادیکال جنبش کارگری و کمونیستی در منطقه بود. خلاصه، بر این زمینه بود که فعالیت شورایی شروع شد و ایده شورا وسیعاً پخش و تبلیغ گردید، کاری که تا آنوقت تبلیغ توده‌ای و تجربه عملی در بارش وجود نداشت. اما حقیقتش گوش شنوا وسیعاً وجود داشت. مردم علاقمند بودند راه و چاه را بدانند. تجمعات کارگری و توده‌ای در همه جا وجود داشت و همه اینها شورا نامیده می شدند، ایده شورا وقتی با دخالت و اعمال اراده خود کارگران و مردم در کارخانه و محله تداعی می شد خیلی زود مورد استقبال قرار می گرفت. این دخالتگری و اعمال اراده جمعی برای آنها تازگی داشت و خوشایند بود. اگر شورا یعنی مردم جمع شوند و حرف بزنند و دخالت کنند و تصمیم بگیرند، پس شورا خوب است و ما شورا می خواهیم. اکثریت قریب به اتفاق مردم و حرکتی که جنبش شورایی نامیده می شود، حداقل در آغاز چنین برداشتی از شورا داشتند و نه بیشتر. اما بعد این جنبش در میان پیشروان و رهبران کارگران بدرجه‌ای از آگاهی رسید که تصور روشنتری از شوراهای کارگری با اهداف فراتر از مسایل روزمره و به منظور شرکت در قدرت سیاسی و با شعار حکومت کارگری داشت که عمر کوتاهی کرد و به عقب رانده شد.

شدند و تمرکزهای بعدی تحت نام کمیته های رهبری و شوراهای نمایندگی و غیره از جانب نمایندگان منتخب این شوراهای بوجود می آمد. اما در حقیقت هسته اصلی هدایت کننده همین تشکلهای منتخب، کارگران کمونیست و کمونیستهای انقلابی ای بودند که الزاماً از جانب مجامع عمومی کارگران یک محل انتخاب نشده بودند، اما با فعالیت هدایت کننده و حضورشان در اجتماعات توده‌ای شناخته شده و مورد اعتماد بودند. مهمترین تمرکز فعالین و رهبران جنبش شورایی "شورای نمایندگان" بود که از جانب شوراهای محلی در کارخانه ها و محلات کارگری و زحمتکش نشین انتخاب شده بود و می رفت تا هدایت و رهبری امور شهر را بخصوص در سلیمانیه بر عهده بگیرد. "شورای نمایندگان" در کلیه شئونات و امور اقتصادی، سیاسی، اداری و امنیتی دخالت می کرد و در حقیقت در برابر حاکمیت احزاب ناسیونالیست بالا سر مردم، اینها آلترناتیو حاکمیت توده های زحمتکش و وسیعی از کارگران و زحمتکشان محلات شهر بودند. اما اینها هیچگاه از مزاحمتها و کارشکنی های حاکمیت نظامی جبهه ناسیونالیستها در امان نماندند و بالاخره توان ایستادگی در برابر تعرض دولت را نیافتند و عقب نشستند. اگر چه جنبش شورایی جنبشی



کما: آیا تمرکز فعالین جنبش شورایی در نتیجه انتخاب و تصمیم مجامع عمومی کارگری و توده‌های بود؟ در مورد چگونگی رشد و تکامل جریان هدایت کننده این جنبش کمی توضیح دهید.

سمکو: قبل از اینکه اجتماعات کارگری و توده‌ای تشکیل شوند، فعالین جنبش سیاسی و توده‌ای که طرفدار شورا بودند در تشکیلاتی به نام دسته پیشبرد جنبش شورایی جمع شدند. این اولین تمرکز آنها بود، از جانب کسی انتخاب نشده بودند و این طبیعی بود. اما با تشکیل اولین مجامع عمومی کارگری و توده‌ای در محله‌های کار و محلات، رهبران این مجامع که خود را شورا می نامیدند انتخاب می

نویا بود و در مقابل جنبش ریشدار و صاحب سنت ناسیونالیستی و مسلح که بر اعتقادات و توهمات ناسیونالیستی توده مردم هم سوار بود، خیلی ضعیف به نظر می رسید اما امکان رشد و تکامل آن بسیار زیاد بود و همین حالا و برای دوره های بعدی هم همین تجربه کوتاه مدت منشا امید فراوان کارگران و توده‌های زحمتکشی است که چند روزی مجال دخالت و اعمال اراده خود را یافتند.

کما: شوراهای و مجامع عمومی کارگری چگونه تشکیل و اداره می شد و تصمیم گیری و تقسیم کار در آنها چگونه بود؟

سمکو: در شهرهای کردستان محلاتی هستند که فقط برای کارگران ساخته

شده‌اند، مثل محله کارگران "سیمان تاسلوجه" یا محله کارگران دخانیات در "سلیمانیه" و در "هولیر"، محله کارگران شهرداری و از این قبیل. اولین اجتماعات کارگری در این محلات با شرکت کارگران و اعضای خانواده هایشان در اماکن بزرگ و اغلب یک مدرسه تشکیل می شد. در این اجتماعات مبلغینی از گروههای چپ و طرفدار کارگران حضور می یافتند و به تبلیغ و ترویج می پرداختند. اما آنجا که نوبت به خود کارگران می رسید و از مسایل و مشکلات خود صحبت می کردند شور و شوق زیادی بوجود می آمد. سالها بود کارگران چنین مجال و فرصتی برای اظهار نظر و اعتراض به شرایط کار و زندگیشان نیافته بودند. ابتدا کل تلاشهای کارگران برای تعدیل شرایط سخت کار و مطالبات کارگری بود. اما به تدریج که کارگران با قدرت خود آشنا می شدند و اعتماد بنفس کسب می کردند طرح مطالبات به تصمیم گیری مستقیم در مورد سرزنش کار و زندگیشان ارتقا می یافت و قطعنامه های کارگری در آن بارها به تصویب می رسید. برای مثال کارگران دخانیات سلیمانیه تصمیم گرفتند خانه های دولتی که موقتاً تا به هنگام بازنستگی و یا اخراج به آنها داده شده بود و کارگران اجازه آنرا می دادند، تماماً به کارگران واگذار شود. همچنین تصویب شد که خود کارگران کارخانه را راه بیندازند و کنترل آنرا به دست بگیرند و مدیر دولتی کارخانه عزل و بجرم فشار و ستم فراوان به کارگران در دادگاهی علنی محاکمه شود. شورای کارگران شهرداری تصویب کرد که کارگران در هفته ۳۵ ساعت کار کنند و ۲ روز تعطیل باشند.

شورای کارگران و زحمتکشان محلات تصویب کردند که ساختمانهای دولتی و اضافی و خانه های متعدد و اضافی سرمایه داران به کارگران بی مسکن محلات داده شوند، انبارهای بزرگ سرمایه داران مصادره و بین تنگدستان تقسیم شود، اداره امنیت محلات را جوانان مسلح داوطلب بدست بگیرند، درمانگاه محله با شرکت داوطلبان پزشکان و پزشکیاران دایر شود و تصمیماتی از این قبیل. (طبعاً تصمیمات سراسری تر از جانب شورای نمایندگان به مجامع عمومی کارگری و محلات ابلاغ می شد).

اداره مجامع عمومی کارگری آسان نبود و کارگران تجارب لازم را نداشتند. ابتدا برای اداره جلسات هیئت رئیسه وجود نداشت و جلسات بی نظم، شلوغ و غیر قابل کنترل بود. به تدریج انتخاب هیئت رئیسه و یا رئیس جلسه سنت شد، نوبت گرفتن رسم شد و برای تصمیمات رای گیری بعمل می آمد...

مهمتر از همه، تا اواخر هم اکثریت کارگران مجامع عمومی را شورا به حساب نمی آوردند. تصور عمومی بر این بود که کارگران جمع شوند، چند نماینده انتخاب کنند، کارها را به آنها بسپارند و خود به خانه‌هایشان برگردند. بخشهای زیادی لازم بود تاخیلی ها قانع شوند که همین مجامع عمومی کارگری شورا است، باید جلسات منظم بگیرد تصمیم گیری کند و تصمیمات همین شورا است که نمایندگان مامور اجرایش می شوند و باید گزارش و حساب پس بدهند.

یک مثال بزنم.

کارلوس آلونز معاون اتحادیه «ک.ام.یو» در فیلیپین:

ایدئولوژی حزب کارگری باید جهتگیری سوسیالیستی داشته باشد

اتحادیه «ک.ام.یو» در کلیه شاخه های اقتصاد فیلیپین، در صنعت، تجارت، خدمات، کشاورزی و معادن حضور دارد و دارای ۷۵۰ هزار عضو است. این سازمان ۱۱ فدراسیون دارد و در سطح کشوری، منطقه ای و ناحیه ای سازمان یافته است. کارلوس آلونز معاون «ک.ام.یو» در سطح سراسری و همچنین رئیس «ک.ام.یو» در منطقه «ویسایاس» و عضو هیات مدیره فدراسیون کارگران صنعت شکر است. وی که در یک مسافرت دور اروپا برای جلب همبستگی کارگران، در سوئد نیز با تشکلهای کارگری دیدارهایی داشت با مهرداد مرتضوی از دوستان کارگران امروز گفتگویی کرد که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

کارگران امروز: جنبش جاری طبقه کارگر فیلیپین چه مطالباتی دارد؟

کارلوس آلونز: مطالبات را می توان به دو سطح کارخانهای و سراسری که ما آنها را مطالبات ملی - دموکراتیک می خوانیم تقسیم کرد. افزایش حداقل دستمزد و شرایط بهتر برای دوران بیماری جزء دسته اول قرار می گیرد. تطبیق دستمزدها با تورم و برطرف کردن فاصله های که میان دستمزدها و سطح معیشت وجود دارد و همچنین کنترل قیمت ها، بویژه قیمت کالاهای اساسی در زمره خواسته های ملی - دموکراتیک قرار دارد. بعلاوه، ما خواستار تغییر شرایط پرداخت قرضه های کشور هستیم. ما باید این قروض را مطابق توانایی خود پرداخت کنیم نه طبق آنچه که طلبکاران مطالبه می کنند. ما همچنین خواهان لغو سیاست آزادی واردات هستیم. این سیاست بنظر ما یک سیاست استثماری در رابطه شمال و جنوب، کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. یک سیاست حمایتی بنفع صنایع فیلیپینی، بخصوص صنایع کوچک و متوسط باید اجرا شود. مطالبات دراز مدت ما در راستای پروسه دموکراتیزه شدن فیلیپین است. ما خواهان رفاه عمومی هستیم. اقتصاد کشور باید از اقتصاد تولید برای صادرات به تولید مایحتاج مردم تغییر کند. ضمنا سرمایه گذاری خارجی فقط در شاخه هایی باید مجاز باشد که سرمایه فیلیپینی در آن در جریان نیست. ملی کردن صنایع حیاتی و اصلی هم یکی دیگر از مطالبات ماست، مثل نفت، اتوبوسرانی و حمل و نقل، برق و امثالهم.

ک.ا: آیا سازماندهی «ک.ام.یو» بر مبنای حرفه است؟

کارلوس آلونز: بله. ولی همچنین بر مبنای کارگران همین نمایندگان شورای کارگران ایسه بودند و نه مجمع عمومی. این تصور عمومی در مورد شورا با کمی تفاوت در همه جا وجود داشت. هر چند امروز تعدیل شد و کارگران پیشرو تلاش زیادی بعمل آوردند تا توده کارگران در مجامع و شوراهایشان در میدان بمانند و خود تصمیم بگیرند و به اجرا دربیایند.

ک.ا: در حال حاضر وضع چگونه است، با توجه به تحولات بعدی تاثیرات دخالت کارگران و توده زحمتکش از طریق شورا و نمایندگان تا چه حد پایدار مانده است؟

س.م: آنچه که مسلم و قطعی است و از نظر بورژواهای ناسیونالیست کرد و جنبه اش خاطره تاریخی تلخ و خطر بالفعل کنونی و آتی است، وجود کارگران و زحمتکشانی بود که به میدان آمدند، حرف زدند و اظهار نظر کردند، تصمیم

کاندیداهایی برای انتخابات سال ۱۹۹۲ معرفی کرده اند.

ک.ا: بعنوان یک رهبر کارگری چه تحلیلی از اوضاع جهانی دارید؟

ک.ا: آلونز: اوضاع کنونی جهانی وحدت هر چه بیشتری را در سطح بین المللی ایجاد می کند. این نظر شخصی من است. حالا که کشورهای باصطلاح سوسیالیست از هم پاشیده اند در میان جنبش کارگری باید همبستگی بیشتری وجود داشته باشد تا بتوان برای حقوق اقتصادی و دموکراتیک کارگران مبارزه کرد. من در سفرم به اروپا متوجه شدم که کارگران و اتحادیه ها در اینجا بسیاری از حقوق اقتصادی و دموکراتیک خود را از دست داده اند. رفقای من در آلمان، بریتانیا و بلژیک هم بر این نظر بودند که اگر یک جنبش اتحادیه ای قوی و مبارز در سطح جهانی ایجاد نشود، که اتحادیه ها را به اتحادیه های واقعی تبدیل کند، کارگران دستاوردهای خود را که طی یک مبارزه طولانی به دست آورده اند از دست خواهند داد.

ک.ا: آیا شما برای همبستگی بین المللی کارگران مبارزه می کنید؟

ک.ا: آلونز: من معتقدم که باید همبستگی فشرده ای میان کارگران جهان وجود داشته باشد. البته یک گرایش بوروکراتیک میان اتحادیه ها رشد کرده است. برخی مراکز جهانی کارگری حتی با سرمایه جهانی در استثمار کارگران همکاری می کنند.

ک.ا: آیا هیچ جریان رادیکالی در جنبش کارگری فیلیپین وجود دارد؟

ک.ا: آلونز: ک.ام.یو یک جریان بسیار رادیکال است. یک جریان مبارز، ناسیونالیست و میهن پرست و دموکراتیک است. در میان کارگران گرایشی هست که خواهان مبارزه مسلحانه است. برای اینکه اینقدر کارگران در فیلیپین سرکوب می شوند که کارگران مردم را مستاصل می کند. باین ترتیب کارگران از مبارزه قانونی و پارلمانی و اتحادیه ای خسته شده اند.

ک.ا: میهن پرستی معمولا مانع وحدت کارگران در سطح جهانی است؟

ک.ا: آلونز: ناسیونالیسم و میهن پرستی به معنای دوری از انترناسیونالیسم نیست.

ک.ا: بعنوان یک رهبر کارگری چه راه حلی برای رهایی کارگران از سرکوب طبقاتی دارید؟

ک.ا: آلونز: سوسیالیسم تولید کنندگان مستقیم، کارگران، باید کنترل وسائل تولید را در اختیار داشته باشند. از نقطه نظر منافع کارگران است که ما معتقدیم سوسیالیسم هنوز اکثریت خوبی برای استثمار سرمایه داری است. هر

چند که اشتباهاتی در گذشته رخ داده است، ولی بنظر ما سوسیالیسم نمرده است. اگرچه مبارزه ما عمدتا علیه استثمار کشورهای سرمایه داری در کشورهای جهان سوم است، ولی در ک.ام.یو ما معتقدیم که دیدگاه سوسیالیسم دیدگاه صحیحی است.

ک.ا: آیا شما جریانی را در جنبش جهانی کارگری می شناسید که در دیدگاه شما سهمی باشند؟

ک.ا: آلونز: در بریتانیا وقتی به جلسات حزب کارگر و کنفرانس حزب کارگر رفتم جنبش خواهان سوسیالیسم در میان طبقه کارگر حداقل ابراز عقیده می کرد. بنظر من سوسیالیسم هنوز زنده است و فکر می کنم کارگرانی هستند که همین نظر را دارند.

ک.ا: نظراتان راجع به نظم نوین جهانی چیست و آفرینان ما کارگران به آن چه باید باشد؟

ک.ا: آلونز: این مساله برای ک.ام.یو از اهمیت بسیاری برخوردار است و قصد داشته نقش آنرا اشفاء کند. سرمایه جهانی برای حفظ خود از بحران هر چه بیشتر مردم را بخصوص در جهان سوم استثمار می کند و علیه آنها از نیروی نظامی استفاده می کند. رهایی ملی احتمالا اکثریت ماست. ما باید یک مرکز واقعی اتحادیه ای در سطح جهانی تشکیل بدهیم. ما از حمایت بیشتر رهبران کارگری در این رابطه برخورداریم که باید تغییرات اساسی در جهت گیری اتحادیه ها در سراسر جهان بوجود آید. علیرغم اختلافات سیاسی این پایه وحدت ماست که یک مرکز اتحادیه ای تشکیل دهیم که از منافع اقتصادی و سیاسی و حقوق دموکراتیک همه دفاع کند.

ک.ا: چه پیامی برای کارگران ایران دارید؟

ک.ا: آلونز: پیام من و ک.ام.یو به کارگران ایران اینست که امید خود را برای اتحادیه های واقعی مستقل از دست ندهند. فکر می کنم که شما باید جانتان را در این راه بگذارید. اگر مردم از مبارزه برای دموکراسی بترسند ما هیچ راهی برای دفاع از منافع کارگران نداریم.

ک.ا: نظراتان راجع به یک حزب کارگری چیست؟

ک.ا: آلونز: ک.ام.یو در حال حاضر نظری در این باره ندارد. ما احساس می کنیم که در حال حاضر احتیاجی به یک حزب کارگری نیست.

ک.ا: آیا این نظر شخصی خود شما هم هست؟

ک.ا: آلونز: به نظر من در هر جنبش اتحادیه ای باید یک حزب کارگری هم وجود داشته باشد. هنوز این را مورد بحث قرار ندادیم. بنظرم ک.ام.یو باید یک حزب کارگری باشد.

ک.ا: خصوصیات آن چه باید باشد؟

ک.ا: آلونز: باید حزب طبقاتی کارگران باشد. باید مبارز باشد و از منافع کارگران دفاع کند. ایدئولوژیش باید جهت گیری سوسیالیستی داشته باشد.

ک.ا: تا آنجا که ما اطلاع داریم برخی اتحادیه های فیلیپین با سازمان بین المللی کار (آی.ال.او) اختلافاتی دارند. آیا این صحت دارد؟

ک.ا: آلونز: من اطلاع ندارم. ولی شاید منظورتان سازمان هایی است که با سرمایه همکاری می کنند و از سیاست آکینو پیروی می کنند، مثل تی.یو.سی.پی. برخی از سیاست های آنها مخالف اساسنامه آی.ال.او است. اگر منظورتان اینست، درست است.

ک.ا: کارگران در ایران حق ندارند مستقل از دولت متشکل شوند، از بسیاری حقوق دیگرهم که اساسنامه آی.ال.او بر آنها تاکید دارد، بی بهره اند. فکر می کنید شما بتوانید این مساله را در آی.ال.او طرح کنید؟

ک.ا: آلونز: اگر بتوانید با ک.ام.یو صحبت کنید، شاید بتوانیم مساله را طرح کنیم. این یک موضع رسمی نیست. شاید ک.ام.یو بتواند نامی بنویسد و خواهان رعایت دموکراسی شود. چون تجربه نشان داده است که اتحادیه های مستقل برای دموکراسی در کشور بسیار اهمیت دارد.

ک.ا: می خواستم راجع به اتحادیه های زرد در آی.ال.او بپرسم؟

ک.ا: آلونز: در آی.ال.او؟ فکر نمی کنم.

ک.ا: بله در آی.ال.او.

ک.ا: آلونز: فکر نمی کنم.

ک.ا: بطور مثال شوراهای اسلامی وابسته به دولت ایران؟

ک.ا: آلونز: عضو آی.ال.او؟

ک.ا: بله، سازمان بین المللی کار.

ک.ا: آلونز: باید به آی.ال.او اعتراض کنیم.

ک.ا: چگونه می توانیم مانع شویم آنها بشویم؟

ک.ا: آلونز: باید به آی.ال.او اعتراض کنیم.

را از رفتن به توالی منع می کرده بتواند بالاسر کارگران بماند. مجامع عمومی کارگری به نظر من سنتی شده که حداقل با پیش آمدن هر مشکلی برای کارگران دوباره تشکیل خواهند شد. زنان کارگران در کنار همسرانشان در مجامع عمومی نشستند و به همین علت از جانب همسر، پدر یا برادر و یا حتی در و همسایه ملامت و سرزنش شدند. این زنان در مقابل مردسالاری و کهنه پرستی مقاومت کردند و باز هم در این مجامع حضور خواهند یافت.

در سنت جنبش ناسیونالیستی اجتماعات بزرگ تنها به خاطر حضور روسای عشایر و سخنرانی روسای احزاب بورژوا هر از چند گاهی تشکیل می شده، اما این بار اجتماعات بزرگ زنان و مردان کارگر و زحمتکش به کرات و برای گوش

گرفتند و دخالت کردند، تنه به تنه حاکمیت از بالای احزاب بورژوا زدند، مدعی اعمال اراده و دخالت مستقیم در سرنوش خود شدند و برای آن مبارزه کردند و جنگیدند. بنظر من این تجربه هر چند خام و کوتاه مدت پس گرفتن هست اما از بین نمی رود. تحولات بعدی و تا همین حالایش هم نشان می دهد که همین مردم زحمتکش نمی خواهند از میدان بدر روند و علیرغم جو ارباب جدید، فضای ارتجاعی حاکم، ضدیت با کارگران، زنان و حرمت انسانها و... متناوبا اظهار وجود کرده اند و می کنند. کارگران مطالباتی مطرح کردند و بعضا خود آنرا به اجرا درآوردند و حالا هم همین را می خواهند. فکر نمی کنم دیگر کسی بتواند کارگران دخانیات را به بهانه اخراج یا بازنشستگی از خانه ها بپوشاند بیرون کند یا مدیری که کارگران

در اولین مجمع عمومی کارگران پوشاک سلیمانی که بالغ بر ۳۰۰ زن کارگر جمع شده بودند، اداره جلسه را یک مرد که خود کارگر پوشاک نبود داوطلبانه بعهده گرفته بود در اطراف کارگران تعداد زیادی اهالی شهر (سلج و غیر سلج) که کارگر نبودند جمع شده و تماشا می کردند. جلسه شلوغ و غیر قابل کنترلی بود. اکثریت کارگران شاید در طول عمرشان در چنین جمعی ظاهر نشده و حرف زده بودند. کسانی میان جمعیت رفتند و سخنرانی کردند، کارگران اغلب ساکت بودند و یا سخنران را تایید می کردند. بالاخره ۳ نفر از زنان کارگر کاندید شدند و کارگران با بلند کردن دست به آنها رای دادند و آنها شورای کارگران ایسه نامیده شدند. البته این سه نفر نمایندگان واقعی کارگران بودند اما از نظر

بانگنمزی سیفینگو (بافو) مسئول تبلیغات اتحادیه کوساتو در آفریقای جنوبی:

## حزب کمونیست یکی از محبوبترین سازمانها در آفریقای جنوبی است

بانگنمزی سیفینگو با نام مستعار "بافو" از فعالین اتحادیه کارگری کوساتو در آفریقای جنوبی و هنگام اقامت در کانادا نماینده کوساتو در این کشور بود. وی هم اکنون مسئول تبلیغات کوساتو در آفریقای جنوبی است. هنگامی که برای یک مأموریت اتحادیه ای به کانادا مسافرت کرده بود با امیر پیام از همکاران کارگر امروز در کانادا گفتگوی مفصلي داشت که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

کارگر امروز: نوامبر پارسال ۳/۵ میلیون کارگر دست به یکی از بزرگترین اعتصابات در آفریقای جنوبی زدند. خواسته کارگران چه بود و اعتصاب چگونه سازمان داده شد و نتیجه آن چه شد؟

ب.س: اعتصاب از طرف جنبش کارگری یعنی کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی، شورای ملی اتحادیه های کارگری، و سایر اتحادیه های مستقل فراخوانده شد. تظاهرات در اعتراض به اقدام دولت مبنی بر اعمال سیاست مالیاتی بر جامعه آفریقای جنوبی شکل گرفت. این سیستم بدون مشورت با مردم آفریقای جنوبی تحمیل شد. در نتیجه اعتصاب و مذاکرات بعد از آن مالیات بر اجناس که ۱۲ درصد بود به ۱۰ درصد کاهش یافت. مالیات بر مواد اولیه غذایی نیز برای مدت ۶ ماه حذف شد. دولت سپس پروژه مبارزه علیه فقر را راه انداخت. مالیات بر بیمارستانهای دولتی و اتحادیه ها نیز حذف شد.

دولت بدون در نظر گرفتن ابعاد وسیع نتایج اجتماعی - سیاسی این اقدام مالیاتی را افزایش داد. سوال ما این بود که چرا دولت درست قبل از استقلال کشور و روی کار آمدن یک دولت دموکراتیک چنین کاری کرد؟ چرا تا پایان مذاکرات صبر نکرد؟ این اولین خواسته ما بود. خواست دوم ما اینست که دولت نمی تواند یکطرفه چنین تصمیماتی بگیرد و باید با دیگران مشورت کند.

اگر یادتان باشد موج اعتصاب از موقعی شروع شد که مالیاتهای مردم برای تقویت سازمانهایی که مخالف "ای.ان.سی" و سایر تشکلهای مربوط به "ای.ان.سی" هستند، مورد استفاده قرار گرفت. سازمانهایی مثل "اینکاتا" و "اتحاد کارگران آفریقای جنوبی". بنظر ما دولت نباید مالیات بر اجناس ضروری مثل دارو و خدمات پزشکی، آب، برق را به مردم تحمیل کند.

الان که فکر می کنم این پروسه در حقیقت یک پلاتفرم اقتصادی ماکرو بوجود آورد، که به موازات کنوانسیون جدید برای آفریقای جنوبی دموکراتیک بنام "گوداسا" عمل خواهد کرد و در جهت ایجاد یک آفریقای جنوبی جدید تلاش خواهد کرد. ما به چنین دخالتی در مسائل اقتصادی احتیاج داریم. دولت وجود و نقش این پلاتفرم را قبول کرده است. بدین صورت امکان بحث حول بودجه، تعرفه گمرکی و مالیات بوجود آمده است.

ب.س: روی کار آمدن یک دولت موقت به یکی از خواسته های مهم در آفریقای جنوبی تبدیل شده است. کوساتو چه انتظاری از این دولت دارد؟

ب.س: بنظر ما دولت فعلی آفریقای جنوبی نمی تواند هم بازیکن باشد و هم داور. باید کنار برود و اجازه دهد که یک دولت متحد ملی استحکام یابد. از نظر ما این یک دولت موقت است و وظیفه اش این خواهد بود که اجازه ندهد دولت در این دوره گذار از امکاناتی مثل رادیو تلویزیون برای اهداف خود تبلیغات کند. دولت نباید از امکاناتی که هم اکنون در دست دارد در جهت به خطر انداختن پروسه تغییر استفاده کند یا از مردم رای بخرد. ما می خواهیم که مجلس موسسان که همه سازمانهای آفریقای جنوبی را نمایندگی می کند تشکیل شود. دولت موقت باید زمینه را برای تشکیل این مجلس آماده کند.

بنظر ما این تغییرات در عرض ۱۸ ماه عملی می شوند. در این رابطه حتی یک شعار هم داریم: "۱۸ ماه به آزادی". دولت می خواهد که دولت موقت ۲۰ سال دوام بیاورد. این دوره باید کوتاه و تا آنجاییکه ممکن است بی دردسر باشد.

ب.س: همانطور که می دانید آپارتاید یک ابزار مهم در دست سرمایه داری برای ایزان نگه داشتن نیروی کار است. از این نقطه نظر مبارزه کارگران نمی تواند صرفا به تغییرات سیاسی محدود باشد. چه تغییرات اقتصادی مد نظر کوساتو است؟

ب.س: قبل از هر چیز باید بگویم که کوساتو نمی تواند از حزب کمونیست آفریقای جنوبی کپی برداری کند و یا نقش آنرا با یک برنامه سوسیالیستی از بین ببرد. البته به این معنا نیست که ما از سیستم موجود دفاع می کنیم. روشن است که سیستم اقتصادی ای می خواهیم که نیازهای مردم و بویژه کارگران آفریقای جنوبی را تامین کند. از نظر ما این یک سیستم دموکراتیک سوسیالیستی خواهد بود. برخی عرصه ها به کنترل فوری احتیاج دارند. مثلا لوله کشی آب، سیم کشی برق در شهرکها. قابل توجه است که آفریقای جنوبی ۶۰ درصد نیاز برق آفریقا را صادر می کند اما حدود ۸۰ درصد مردم آفریقای جنوبی برق ندارند. این سیستم قابل قبول نیست. باید هر چه زودتر با خانه سازی به بی مسکنی مزمن خاتمه دهیم. باید صنایعی را رشد داد که به نفع کارگران است و همه اینها شغل ایجاد می کند.

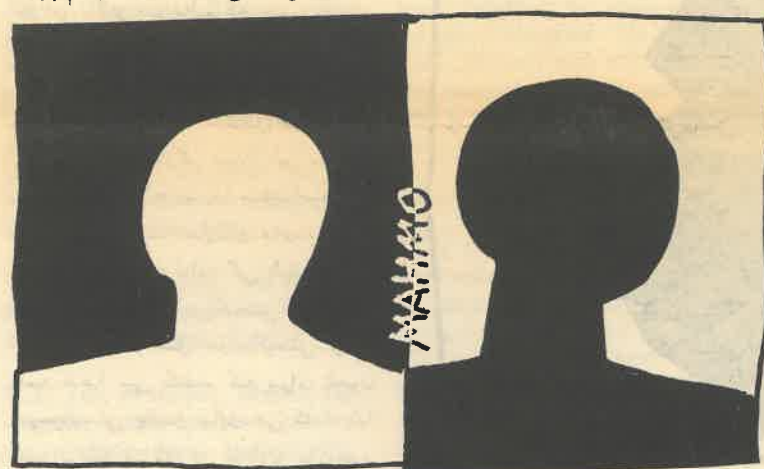
ب.س: اکثریت سازمانهای ضد آپارتاید خواهان جانشینی یک سیستم دموکراتیک و غیر راسیست با سیستم آپارتاید هستند. ولی این نوع سیستم دموکراتیک در غرب مشغول باز پس گرفتن همه حقوق دموکراتیک و دستاوردهایی است که کارگران سالها برای آن مبارزه کرده اند. فکر نمی کنید آفریقای جنوبی با داشتن چنین جنبش کارگری قوی بتواند آرتانویو حکومت کارگری داشته باشد؟

ب.س: ما کارگران معتقدیم که باید در سازمانهای سیاسی فعال بود. بگذارید مثالی بزنم. وقتی فعالیت "ای.ان.سی" و حزب کمونیست آفریقای جنوبی آزاد شدند ما همه اعضای اتحادیه خود را تشویق به فعالیت در این سازمانها کردیم.

چه سیاه کارگر است. نمی توان گفت که فقط کارگران آفریقای باید رهبری را بدست بگیرند. ماهیت جنبش کارگری راسیست نیست و اختلافات رنگ پوست و جنسیت را برسمیت نمی شناسد. این اختلاف اصلی ما است. در سالهای اخیر کارگران سفید پوست به فدراسیون ما پیوسته اند. و اگر ما مانند ناکتو در اتحادیه را بروی سفید پستان بیندیم آنوقت کجا می توانند بروند؟ اتحادیه دیگری که از منافع آنها دفاع کند، وجود ندارد. ما معتقدیم همه کارگران باید در عضویت در اتحادیه ای که خود می خواهند، آزاد باشند. کارگران سفید پوست به ما ملحق شده اند. به این پدیده می گوئیم آگاهی طبقاتی. بدین صورت می توانیم تشکیلی قوی در مقابل رئیس، روسا و دولت بسازیم. زمینه ایجاد این تحولات از بین رفتن بیمه اجتماعی کارگران سفید پوست توسط دولت است. کارگران سفید پوست به کوساتو می پیوندند.

ب.س: مبارزه کارگران نشان داده است که گرایش قوی ای نسبت به سوسیالیسم در آفریقای جنوبی وجود دارد. ممکن است درباره تاثیر سقوط بلوک شرق در این گرایش بویامان بگوئید؟

ب.س: جواب این سوال ساده است. چیزی که در بلوک شرق رخ داده است باعث ترد ایده سوسیالیسم دموکراتیک نزد مردم نشده است. مردم می گویند سوسیالیسم اینان شکست خورد زیرا بر دموکراسی متکی نبود. سوسیالیسم برای



ب.س: ما اساسا دموکراسی است. یکی از ارکان مهم سوسیالیسم دموکراسی است. مردم سوسیالیسمی که به معنای حفظ قدرت توسط روسای حزب باشد را قبول ندارند. سوسیالیسم باید بر اساس خواسته های کنکرت مردم بنا شود. مثلا اگر مردم می خواهند شلوار جین بپوشند لازم نیست اینهمه راه به پاریس بروند. چرا کالاهایی تولید کنیم که مردم به آن احتیاج ندارند؟ هر گونه سیستمی که روی کار می آید باید مسئله تقاضا را در نظر بگیرد. نمی توان بدون تقاضا فقط عرضه کرد. این یک مشکل اساسی این کشورها بود. ولی مردم آفریقای جنوبی کماکان به ایده سوسیالیسم دموکراتیک معتقدند. به همین دلیل حزب کمونیست یکی از محبوبترین سازمانها نزد مردم آفریقای جنوبی است.

ب.س: طبقه کارگر جهانی دوران سخت اقتصادی و سیاسی را می گذراند. کارگران هرروزه مورد حمله کاپیتالیسم هستند. چگونه می توانیم یک مبارزه بین المللی سازمان بدهیم؟ خواستههای این مبارزه کدامند؟

ب.س: تنها چیزی که می توانم بگویم اینست که شرکتی بین المللی در همه جا حضور دارند، در اینجا، آفریقا و آسیا و غیره. چیزی که فکر مرا مشغول کرده است نزدیک و متشکل شدن

ب.س: جنبش کارگری توسط دو اتحادیه اصلی کوساتا و فاکتو رهبری می شود. ممکن است کمی درباره تفاوتها و شباهت این دو اتحادیه بویامان بگوئید؟

ب.س: شباهتشان در هماهنگ کردن فعالیتهای اتحادیه ای برای دفاع از منافع اعضایشان و مذاکرات برای امضا قرارداد دستجمعی است. ولی اخیرا از نزدیک با شورای اتحادیه های کارگری، ناکتو، بر سر مسائل کارگری همکاری کرده ایم. در اینجا لایحه روابط کار را مد نظر دارم که در سال ۱۹۸۸ تصویب شد. لایحه ای که به دستاوردهای کارگران حمله کرد. این نوع اقدامات دولت علیه کارگران، ما را به یکدیگر نزدیک می کند. حتی اتحادیه های کارگران سفید پوست نیز الان با ما همکاری می کنند. مثلا با فدراسیون کارگران آفریقای جنوبی بر سر مسئله مالیاتها همکاری داشتیم. تجربه به ما نشان داده است که اتحاد همیشه نتیجه مبارزه است. نمی توان مبارزه بر سر یک خواست نشست می گیرد.

تا آنجا که به اختلافات برمی گردد، ناکتو به رهبری کارگری آفریقای و چپ معتقد است. ما به این معتقد نیستیم. بنظر ما کارگر چه سرخ، چه سفید و

کارگرانی است که در کشورهای مختلف برای یک کمپانی کار می کنند. از طریق ایجاد چنین شبکه ای کارگران می توانند مشکلاتشان را با یکدیگر در میان بگذارند و برای حل آنها یک کمیته تشکیل بدهند. دو حالت وجود دارد. یکی اینکه شاید اتحادیه های هم صنف با هم یکی شوند و سازمان خود را تشکیل دهند. البته هم اکنون چنین سازمانهایی مثل فدراسیون بین المللی کارگران فلز که جزیی از فدراسیون بین المللی کار است، وجود دارد. شاید باید این سازمانهایی که هم امروز موجودند را تقویت کرد. مثلا کارگران اتومبیل سازی کانادا می توانند با کارگران اتومبیل سازی آفریقای جنوبی رابطه برقرار کنند. موضوعات و مشکلات مشابه به اندازه کافی وجود دارد که کارگران برای حل آنها بتوانند کمیته تشکیل دهند.

برخی بحث میکنند که جنبش اتحادیه ای در حال از هم پاشیدگی است. و اینکه شاید کنفدراسیون بین المللی کارگران یک سازمان کوچک است و "آی.سی.اف.تی.یو" سازمان بزرگتری است. شاید بهتر این باشد که همه سازمانهای بین المللی کارگران در هم ادغام شوند و به مسائلی که به کارگران جهان مربوط می شود، بپردازند. در بالا نمونه آفریقای جنوبی را گفتم. اتحادیه های مختلف باید بتوانند بر سر مسائلی که به منافع کارگران مربوط می شود، با یکدیگر همکاری کنند.

خوشبختانه جنگ سرد به نحوی تمام شد. کارگران متوجه شدند که بدون در نظر گرفتن جناحی که قبل از آن تعلق داشتند باید به یکدیگر نزدیک شوند. حتی اتحادیه های مستقل مثل کوساتو و "سی.یوتی" در برزیل نیاز همکاری را حس می کنند. فکر می کنم اتمام جنگ سرد کارگران را به یکدیگر نزدیکتر می کند.

ب.س: کوساتو چه نوع حمایت بین المللی نیاز دارد و تجربه شما در زمینه کسب این حمایت چه بوده است؟

ب.س: ما از جنبش کارگری بین المللی می خواهیم که علیه خشونت نسبت به کارگران عکس العمل نشان بدهند. ولی اساسا خواهان ایجاد شبکه های ارتباطی بین کارگران هستیم. این پروسه هم اکنون آغاز شده است. مثلا اتحادیه کارگران بیمارستانهای آفریقای جنوبی با کارگران خدمات عمومی کانادا در تماس اند. از این طریق ناظر به کنگره های یکدیگر می فرستند و اطلاعات رد و پدل می کنند. کارگران آفریقای جنوبی می توانند اینجا بیایند و برای اتحادیه خدمات عمومی کانادا کار کنند. کارگران اتحادیه کانادا هم می توانند به آفریقای جنوبی بروند و با کمیته آموزش ملی که با ما همکاری می کند، کار کنند. کارگران از این طریق با مسائل مشترک یکدیگر آشنا می شوند. از موقعی که مندا لا آزاد شد و تبعیدیان بازگشتند وضعیت فرق کرده است. ولی بعضی چیزها مثل سابق است. مردم کشته می شوند و بی مسکنی و گرسنگی نرم جامعه است. جنبش کارگری بین المللی باید از این وضعیت باخبر شود. ما از همه می خواهیم که به آفریقای جنوبی بروند و جنایات آپارتاید را با چشم خود ببینند. دیدن پاور کردن است. سرکوبی که در آفریقای جنوبی اعمال می شود در هیچ جای دیگر وجود ندارد.

گفتگو با پاتریشیا دولیله عضو هیات اجرایی اتحادیه کارگران رشته شیمی آفریقای جنوبی

اتحادیه ها و تحولات آفریقای جنوبی

پاتریشیا دولیله به مدت پانزده سال در یک کارخانه رنگ سازی کار نموده و از جانب کارگران بعنوان نماینده انتخاب شده است. وی مدت پنج سال بخش غربی اتحادیه کارگران رشته شیمی آفریقای جنوبی (اس.آ.سی.دبلیو) را نمایندگی کرده و بعنوان عضو هیات اجرایی این اتحادیه فعالیت داشته است. این اتحادیه ۴۵ هزار عضو حق عضویت بده دارد و بزرگترین اتحادیه وابسته به شورای سراسری اتحادیه های کارگری (ناکتو) محسوب می شود. وی همچنین مسئول هماهنگی امور زنان اتحادیه نیز بوده است. همکار ما مسعود رازی در آلمان با پاتریشیا دو لیله گفتگویی داشته است که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

کارگو امروز: لطفا کمی راجع به اتحادیه تان صحبت کنید.

پاتریشیا دولیله: اتحادیه ما بزرگترین اتحادیه رشته شیمی در قاره آفریقا است و عضو هیات اجرایی فدراسیون بین المللی انرژی شیمیایی است. ما همچنین عضو کارخانه های مواد انفجاری به نام کمپانی صنعت شیمیایی آفریقا هستیم. اتحادیه ما در امور کارگری بانی اقدامات بسیار مهمی بوده است. دو تن از همکاران ما توسط سرپرستان سفید پوست بملل نژاد پرستانه به قتل رسیدند. اعضا دست به اعتصاب زدند و خواهان اخراج سرپرستان مزبور شدند. ابتدا شرکت از اخراج و حتی تنبیه آنها سر باز زد. ولی بعدا آنها مجبور شدند با اتحادیه به توافق برسند. سرپرستان مزبور به بخش دیگری منتقل شدند، و در عوض کلیه کارگرانی که طی ۵ سال توسط شرکت به اتهام درگیری در محل کارخانه اخراج شده بودند به سر کار خود باز گردانده شدند. به این ترتیب ۲۰۰ کارگر اخراجی به سر کار بازگشتند.

مورد دیگر در شرکت ساسل که تولید کننده نفت از ذغال است، اتفاق افتاد. اتحادیه ما توانست اخیرا طی مبارزهای بخشی از کارخانه را به علت اشمه بالای رادیو اکتیو بطور دائم تعطیل کند. ما پس از صدور رای دادگاه مبنی بر تعطیل این بخش از کارخانه، موفق شدیم که از برخی مراجع بین المللی دعوت کنیم به آنجا بیایند و میزان رادیو اکتیو را اندازه گیری کنند.

در حال حاضر اتحادیه ما کارگران معادن را هم تحت پوشش قرار می دهد. ما اولین اتحادیه ای بودیم که فراخوان اعتصاب قانونی سراسری دادیم. اعتصاب قانونی اعتصابی است که کارفرماها می توانند کارگران را اخراج کنند ولی نمی توانند اتحادیه را به اتهام پائین آمدن تولید تحت تعقیب قانونی قرار دهند. طی ۳ روز از آغاز اعتصاب که در سال ۱۹۸۷ صورت گرفت شرکت کلیه کارگران را اخراج کرد ولی نتوانست اتحادیه را تحت تعقیب قرار دهد. ما به دادگاه عالی علیه شرکت شکایت کردیم و در نتیجه رای دادگاه شرکت مجبور شد که کلیه کارگران را ظرف ۶ هفته و با پرداخت خسارت بابت مدت اعتصاب به سر کار بازگرداند.

ما: سازمان های مهم کارگری دیگر در آفریقای جنوبی کدامند؟

پ: فدراسیون دیگر کارگری، کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی (کوساتو) نام دارد. اتحادیه های مستقل بسیاری هم هستند که عضو ناکتو و یا کوساتو نیستند. باید اشاره کنم که اعضای اتحادیه های مستقل از مجموع

اعضای ناکتو و کوساتو بمراتب بیشتر است. آنها با ما بر سر مسائل معینی، بطور مثال کمپین علیه لایحه مناسبات کار همکاری می کنند. دلایل متعددی برای این استقلال وجود دارد، از جمله دلایل سیاسی. برخی اعتقاد دارند که اتحادیه هایی صرفا کارگری هستند. فکر می کنند که سیاست از مسائل کارگری جداست. بسیاری از آنها بسیار محافظه کارند. سازمان های خدمات کارگری مستقل بسیاری هم وجود دارد. در آفریقای جنوبی یک تلقی اشتباه وجود دارد حاکی از این که اگر کوساتو و ناکتو وحدت کنند کل طبقه کارگر متحد شده اند. این تلقی از تعبیر اشتباه طبقه کارگر ناشی می شود.

ما در ناکتو متوجه ایم که چنین نیست. بطور مثال دهقانان در مناطق روستایی متشکل نیستند. ناکتو و کوساتو ۲۵ درصد کارگران را متشکل می کنند. اکثریت طبقه کارگر بیرون این ساختار متشکل یعنی اتحادیه ها و فدراسیون ها قرار دارند. البته سازمان های بسیاری هستند که ادعای نمایندگی طبقه کارگر را دارند، مثل "پی.ای.سی"، آزاپو و کارگران برای عمل سوسیالیستی. اینها همه ادعا می کنند که برای تحول سوسیالیستی جامعه مبارزه می کنند. اما هیچ برنامه ویژه ای در اتحادیه ها وجود ندارد که پروسه سوسیالیسم را بررسی کند. آنها صرفا سازمان های کارگری هستند، به این معنا که اکثریت اعضای خود را از میان کارگران می گیرند و نه به این معنا که برنامه ویژه ای برای کارگران بعنوان سازمان های کارگری دارند. بطور مثال سازمان کارگران برای عمل سوسیالیستی جزوات زیبایی بسیاری در مورد مبارزه طبقه کارگر دارد، اما در واقعیت تماس بسیار کمی با کارگران متشکل و غیر متشکل دارد. این سازمان فقط در یک اتحادیه دارای نفوذ است، اتحادیه ای که فقط در منطقه کیپ تان است. و این به این صورت است که یک یا دو عضو رهبری یک اتحادیه معین عضو سازمان کارگران برای عمل سوسیالیستی هستند ولی اینطور شایع می شود که کل اتحادیه عضو این سازمان است. این وضعیت شامل حال بیشتر سازمان های سیاسی می شود.

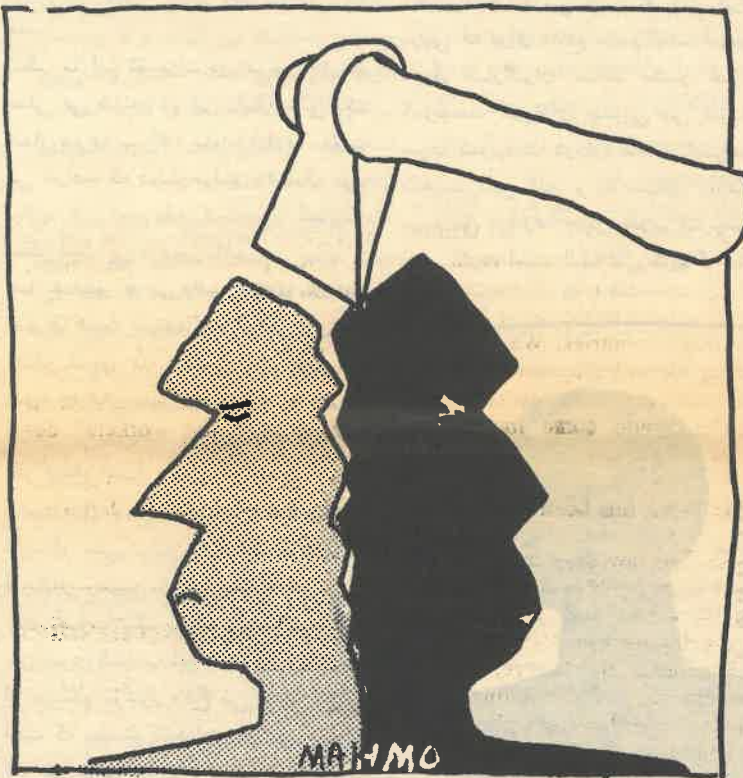
ما: چگونه اتحادیه های کارگری در آفریقای جنوبی را با اتحادیه های اروپای غربی مقایسه می کنید؟

پ: مسائلمان یکسان است ولی در عضوگیری و اداره اتحادیه هایمان تفاوت وجود دارد. و البته شرایط سیاسی کشورهایمان هم متفاوت است. من با هیچ اتحادیه ای چه در اروپای غربی و چه در آفریقای جنوبی مواجه نشده ام که از

مبارزه علیه فرضا لایحه مناسبات کار قرار می دهد.

ما: تفاوت های اصلی میان سازمان های کارگری مهم چیست؟

پ: هیچ تفاوتی میان کارگران و اعضای ناکتو و کوساتو وجود ندارد. تفاوت در رهبری است. این جای تاسف دارد. تجربه ثابت کرده است که وقتی کارگران ناکتو و کوساتو مشترکا عمل می کنند بسیار موثر است. ناکتو مبتکر تشکیل کوساتو بود. در آن مقطع ما کوسا نام داشتیم. وقتی زمان تشکیل کوساتو فرا رسید ما از مذاکرات وحدت بیرون ماندیم. چرا که ما در کوسا بر این عقیده بودیم که در کل جنبش کارگری باید اصل رهبری طبقه کارگر آفریقایی حاکم باشد. ما مخالف این بودیم که عدهای روشنفکر سفید از دانشگاه بیایند و در مقامات بالای اتحادیه قرار بگیرند. ما نگفتیم که کارگران سفید نباید به اتحادیه بپیوندند، بلکه معتقد بودیم که باید از پائین وارد اتحادیه شوند. آنها باید از سطح کارخانه به اتحادیه بپیوندند. آنها



می توانند بعنوان نماینده کارخانه انتخاب شوند و برای رسیدن به رهبری جنبش کارگری مبارزه کنند. این مساله اصل مورد اختلاف در آن مقطع بود. و باین علت بود که ما از کوساتو بیرون ماندیم.

سپس در سال ۱۹۸۶ کوساتو منشور آزادی "ای.ان.سی" را تصویب کرد. این عمل نه تنها اختلاف میان ناکتو و کوساتو را گسترش داد بلکه به اختلافاتی میان اتحادیه های عضو کوساتو نیز دامن زد. بطور مثال باعث تفرقه در اتحادیه کارگران کی ترینگ شد. حتی باعث شد که برخی اتحادیه ها از کوساتو جدا شوند و بطور مستقل فعالیت کنند.

مذاکرات وحدت میان ناکتو و کوساتو جریان داشته است. ما اعلام کردیم که بعلت تصویب منشور آزادی فقط حاضریم سر مسائل تاکتیکی که به همه کارگران مربوط می شود با کوساتو همکاری داشته باشیم. آنها همیشه گفته اند که ناکتو پان آفریکانیست است. درست است که تعدادی از رهبران ناکتو از کنگره پان آفریکانیست حمایت می کنند. ولی به هیچ وجه ناکتو وابستگی یا ارتباط صریحی با کنگره پان آفریکانیست ندارد.

ناکتو از اصل عدم وابستگی به سازمان های سیاسی حمایت می کند. از سال ۱۹۸۷ ما با "ای.ان.سی"، "پی.ای.سی" و "پی.سی.ام.ای" (جنبش آگاهی سیاهان

ما: نظراتان راجع به برنامه ۱۰ ماده ای اتحادیه "ای.ان.سی" آلمان برای کارگران کارخانه مرسدس بنز در آفریقای جنوبی چیست؟

پ: در ناکتو نظر عمومی این است که چنین برنامه ای تفرقه اندازانه است، مثلا در کمپین علیه لایحه مناسبات کار. چون کارگران مرسدس بنز می توانند بگویند این لایحه در وضعیت ما تاثیری ندارد زیرا ما توافق خود را با شرکت مرسدس بنز از طریق بین المللی داریم. بخصوص اینکه اتحادیه سرتاسری کارگران فلز آفریقای جنوبی (نومسا) که وابسته به کوساتو هست، توافقات بسیاری باین صورت دارد. فرضا اگر بخواهیم علیه زورگویی های قانونی در مناطقی مثل کیپ تان مبارزهای را به پیش ببریم، کارگران متشکل در نومسا در آن شرکت نمی کنند. به این ترتیب چنین توافقاتی تفرقه افکنانه است، چون وحدت کارگران را خدشه دار می کند. ما بطور عمومی با چنین توافقات جداگانه ای موافق نیستیم، بخصوص وقتی مساله ای کل کارگران آفریقای جنوبی را متاثر می سازد. ولی معتقدیم که مسائلی مثل صندوق بازنشستگی، مزایای مختلف و امثالهم باید با کارگران آلمان یکسان باشد. ولی نه توافقات دیگری که کارگران متشکل در نومسا را خارج از میدان

آفریقا) ملاقات داشته ایم. هر دفعه به اعضایمان در مورد این سازمان ها و عقایدشان گزارش داده ایم. در کنگره اخیر هم ناکتو بر شیاست عدم وابستگی به سازمان های سیاسی تاکید گذاشت. ولی هنوز وسایل ارتباط جمعی تنها با نگاه کردن به رهبری ناکتو ادعا می کنند که ناکتو شاخه کارگری "پی.ای.سی" است.

پ: سوال برگردم. تفاوت زیادی نیست. تفاوت بیشتر سیاسی است. ولی در میان اعضای عادی ناکتو و کوساتو تفاوت بسیار کم است.

ما: نلسون مندلای از زمان آزادی از جانب "ای.ان.سی" با دولت در حال مذاکره بوده است. آنها کارگران تاکنون از این مذاکرات بهره مند شده اند؟ نظر شما راجع به این مذاکرات چیست؟

پ: اول اینکه کارگران عضو ناکتو و کوساتو مورد مشاوره قرار نگرفتند. حتی بعضی افراد کلیدی کوساتو مثل "جی نایدرو" در جلساتی که "ای.ان.سی" با دولت ترتیب داد شرکت نداشتند. این جلسات به ابتکار "ای.ان.سی" تشکیل شده است. و باید در نظر داشت که در زمانی که "ای.ان.سی" یک سازمان ممنوع بود، کوساتو نام آن را در کشور زنده نگاه داشته بود و این مساله به اختلافاتی در درون کوساتو دامن زد. کوساتو احساس می کند که مورد بی اعتنائی واقع شده است.

وقتی ماندلا از زندان آزاد شد ما به ملاقات او رفتیم تا به او تبریک و خوش آمد بگوییم. او به ما قول داد که قبل از هر صحبتی با دولت، جنبش کارگری را مورد مشاوره قرار دهد. ولی اینکار را نکرد.

مسئله ای که بر وضع کارگران تاثیر بگذارد مورد مذاکره نبوده است. در عوض هشدار شدیدی اخیرا به کارگران داده شد مبنی بر اینکه بجای اعتصاب و عملیات اعتراضی مشابه تلاش کنند اقتصاد کشور را بسازند. در واقع سیاستمداران می خواهند کارگران دست از این کارها بردارند و این مساله کارگران بسیاری را، بویژه در میان کوساتو خشمگین کرده است، چرا که این نلسون ماندلا بود که به کارگران گفت این وظیفه شان است که اقتصاد کشور را بسازند.

ما: چه انتظاری از جنبش کارگری کشورهای دیگر برای حمایت از خودتان دارید؟ چه انتظاری از کارگران ایرانی دارید؟

پ: می دانم که ناکتو با کارگران ایرانی ارتباط دارد. ناکتو عملا مجبور شد که موتلفینی در سایر کشورهای آفریقا بدست آورد. به این علت که اتحادیه های غربی بسیار سکتاریست هستند و همیشه از کوساتو پشتیبانی کرده اند. کوساتو بزرگترین فدراسیون کارگری کشور است و با "ای.ان.سی" مرتبط است. به این ترتیب ناکتو از پشتیبانی بسیار ناچیزی در میان جنبش اتحادیه های اروپای غربی برخوردار است. در سال ۱۹۸۹ دبیر کل ناکتو توسط ایران و مصر دعوت شد و ما از پشتیبانی کارگران ایرانی برخورداریم.

ما: توسط چه ارگانی؟ چون کارگران ایران اتحادیه های مستقل خود را ندارند.

پ: دبیر کل ما همراه دبیر کارگری "پی.ای.سی" به ایران رفتند. این پشتیبانی می تواند یا از جانب دولت ایران باشد یا کارگران ایرانی. ولی می دانم که ما از پشتیبانی ایران برخورداریم.

Communist regime in Eastern Europe that is threatening anybody. So once communism isn't a threat, you can't use anti-communism against workers. So from that perspective, in some ways it is easier now to bring workers together.

However, in the short term it is the feeling that capitalism has really nurtured, that there is no alternative, that there is no way to structure modern economy and that is the structure along capitalist lines. I think it really depends on what is going to happen here. For all their rhetoric and propaganda about capitalism and that the market is the only way to have freedom and material success, people can look around them and they are constantly seeing what is happening. They look at the Third World where capitalism has been dominant throughout Latin America and what they see is that those countries' standards of living are below what they were in the 60s. They look at the US and what they see in the most dominant economic power in the world are cities that have got high unemployment, they see black communities where more than half the people are unemployed, and that there is no solution to any of these problems. They see that the infrastructure is decaying, and people are as insecure as they have ever been. So I think that will lead to the recognition that capitalism in the sense of leaving things to the market is not a solution either. It really raises the question of discovering new alternatives.

The argument that the collapse of the East bloc shows that socialism is impossible is something that can be challenged in all kinds of ways. One thing is that [this collapse] showed that a particular kind of socialism, Stalinist socialism, can't work. Socialism has to be democratic; if socialism isn't democratic, it can't work. But it certainly doesn't show that capitalism has the answers, nor that Stalinist socialism has the answers. So it leaves it open [as to] what is the alternative.

I think this kind of debate is going to take place in the Eastern bloc countries, because they are very quickly and very directly going to see what the market means. They are going to see that market doesn't give them security and doesn't improve their standard of living. They are also going to see that the market will not give them democracy. Because what will happen in a lot of these countries is that, as they try to make capitalism work, workers will resist, and then they are going to start attacking the rights of workers. So what you will see is even decrease in basic trade union and political rights that they seem to have right now. So I think they are going to see quite quickly that capitalism and freedom are not necessarily tied together.

On balance, when I think of all the difficulties that they are going to go through, I think we are going to see all kinds of resistance there. But given the real economic crisis there, I don't think they are going to come up with solutions for years, particularly in the Soviet Union. The revolution in 1917 in the Soviet Union was a major historic event that challenged capitalism, and I think the next major historic event is going to have to come from the West, from us, and may be this time we will lead and they will follow.

## On Danish labour movement

Interview with Uffe Thomsen

**Uffe Thomsen is the Secretary of the Danish Typographical Workers Union. He talked to Mina Sobhi, WT correspondent, about the Danish labour movement, European integration, and the situation of the socialist movement. The first part of this interview was published in our March issue. Excerpts:**

**WT: Let's move on to the other topic. It is 1992, and soon the borders in the EEC will be open and the European common market will become a reality. How would this affect the Danish working class?**

**U.T:** First of all, we feel that this union will give labour unions a big problem. Because we are afraid of the laws which will be passed by the European Parliament in Brussels. In my union, we believe the laws will prevent us in different ways from making or fighting for a kind of agreement we want with the employer. For instance, payment for sick days, the environmental questions, and laws concerning the workers. In Denmark if we cannot reach an agreement with the employer we can use different means to fight him, for example we could make a blockade against the employer, stopping the flow of different production materials to him. We are afraid that the laws of the European Parliament would take this right from us. This right does not exist in France, Germany, and certainly not in England. Before, there existed a veto-right in the European Council. If one country had said no to a piece of legislation, it would not have passed. Now the decision-making is based on majority vote. We are afraid that we would lose a lot of our strength in the unions in Denmark.

**WT: So, in this way, you believe that the situation of the Danish workers would deteriorate?**

**U.T:** Yes, absolutely. Maybe, the situation would not be worse for the working class, individually, but would certainly be very tough for the unions.

Another major problem we fear is that from January 1993 the employers could use workers from Portugal, for example, to do the same job and be paid half of what a Danish worker is paid. Now the Danish capitalists in clothing and shoe industry move to Portugal and to the former East Germany. But from next year the movement of labour would also be free. We are afraid of the laws that would allow the capitalist use workers from another country here with the same condition that exist there.

**WT: As I understand you, it is all right with you if any worker from any country came to work here, as far as they work under the same conditions as Danish workers?**

**U.T:** Yes, of course.

**WT: As far as I can see this process is inevitable. Some people tried to stop it, but to no avail. How do you see the future for struggling for better conditions in the other side of Europe, I mean in countries where workers are worse off like Portugal, Greece or Spain?**

**U.T:** When we see how few work-

ers are organised in France, Portugal, or even in Germany, it would be very difficult for them to raise anything. My union has started a very good contact with the Portuguese. We have exchanged visits. We have started a training programme in our union's school for Portuguese shopstewards. We try to teach them organisational techniques, make speeches, write simple articles, make democratic laws in the factory, in the union, to speak in the media, and so on. But there are problems, we do not share the same traditions, and they are very poor. But we think this is necessary.

Returning to the previous question, what we are afraid of is that Danish workers start fighting Portuguese workers in construction, for example. We are afraid that the workers start fighting them instead of the employers.

Another major issue is the unemployment benefit. We are afraid that the European Parliament would force the Danish government and parliament to reduce the amount of unemployment benefit to the same level as the other countries. We get a bit more. Already they have changed the unemployment benefit law, and it would come into effect from 1 January.

**WT: What has been changed?**

**U.T:** The law says that the state must offer a job to any unemployed after two and half years of unemployment for the duration of 7-9 months. But before, the pay was the same as the ordinary employee, now the unemployed has to do the same job for the unemployment benefit. We can see a very frightening picture. We are afraid that the employers would fire their employees and employ from the 300,000 unemployed and save a lot of money.

**WT: And actually make the working conditions worse, because the workers for the fear of losing their jobs would accept anything.**

**U.T:** Yes. This way the working conditions will deteriorate.

**WT: This discussion brings me to a question I was going to ask you about the changes that the Danish government is proposing to make in the unemployment benefit act. What I'd like to ask you now is what would be the reaction of LO, the labour unions, or labour leaders like yourself. Are there any plans to organise a worker opposition to these changes, which threaten a basic right of the workers?**

**U.T:** The Social Democrats have voted for this. The LO follows the Social Democrats. When they vote for something, the LO will do nothing. Some of the small unions, like our union, have protested against it. But large unions, they sit in LO leadership together

with Social Democratic leader, and they have accepted it. When you accept such proposals from the Conservative government, then you are in bad trouble. The Danish working class is in bad trouble. There have been only 10 general meetings organised in unions to discuss this issue.

**WT: Have you together with other labour leaders who agree with you started a campaign against this law?**

**U.T:** Yes, we have. We started a campaign in November when it became clear. We printed leaflets and we distributed them in the LO offices and the congress. We did not receive much support. People do not care. And the press did not take note of it.

**WT: I have heard that there is also a proposal to make the unemployed work from the beginning for the unemployment benefit. Is that the case?**

**U.T:** Yes, there has been such proposal from Sven Auken, the chairman of the Social Democrats. He says we must think in another way. But the way he thinks would mean that in a few years workers in Denmark would work for wages equal to the unemployment benefit.

**WT: Yes, exactly. This process will bring the wages down.**

**U.T:** For everybody. You see, if we had a good labour party here, that would use the power they have. I think Social Democracy has about 34% of the votes, the Socialist People's Party has about 8-9%; together it is about 42%. If they worked for workers' demands, it could make a lot of good. But they use their power to isolate and put down the left wing and the workers.

**WT: But they are not really a workers' party...**

**U.T:** No, not to my opinion. The Socialist People's Party wants to be a workers' party, but they say we do not want to be uninfluential, we do not want to be a protest party, so they stand with the Social Democrats. So, where should the Danish workers go?

**WT: Let's return to the European common market. You remember in the last meeting of the European political leaders in Maastricht a heated discussion was raised on the so-called Social Charter. I'd like to ask you about the contents of this charter? Have you seen it?**

**U.T:** No, I only know it from the newspapers. The details have not been published, only the headlines. The Danish government has stated that it has been agreed not to publish the details as long as Britain objects to it. For many countries, Spain, Portugal, Greece, maybe Italy, I am not sure, it could mean better social standard. If these countries accept this charter and vote for it, which means they have the money to pay for the expenses, then I am very afraid that it means lower social standards in Denmark. Social standards in Denmark are much higher in comparison with Greece, for example. If they say yes to it then it means the social standards are not very high. And, I am sure when the charter becomes acceptable to Britain, we would get a shock here, in Denmark. I think this, then, would be a way to arouse the Danish people. Because, already the social conditions in Denmark have deteriorated, and in opposition to that a new movement has recently started by the pensioners and the old people in Denmark, which has the backing of the press. It is called the "C Team".

### In the Persian Section

In addition to the articles published in the English section, the Persian section of this issue includes:

• Report from Ahvaz pipe-making plant • Interview with COSATU's PR secretary • Struggle against the Islamic Councils: an internationalist struggle - article • Islamic Councils' attempts to set up a Moslem Workers' Union • Interview with Hussein Saghefi, Iranian labour activist • Marx's ideas are as true as ever - letter to the editor on

WT interview with Uffe Thomsen • Interview with Samko, author of the book *An Activist of Workers' Council Movement in Iraqi Kurdistan Speaks* • Interview with Carlos Altuzar, vice president of Philippine's KMW union • Interview with Patricia de Lille, foreign affairs secretary of the Pan Africanist Congress of Azania • History of May Day - article.

News of workers' struggle around the world is published in more detail in the Persian section.

ISSN 1101-3516

کارگر امروز

فترتیه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Workers' Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush  
Address: W.T., Box 8278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

### Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of  
 Six months  One year  
Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution \_\_\_\_\_  
Address \_\_\_\_\_  
Postcode \_\_\_\_\_ City \_\_\_\_\_ Country \_\_\_\_\_

#### Subscription Rates

<i>Europe</i>	<i>Eisewhere</i>
1 Year SKr140	1 Year SKr210
6 Months SKr80	6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

# On Canadian workers' struggle

## Interview with Sam Gindin

Sam Gindin is assistant to the president of the Canadian Auto Workers. Mohsen Ebrahimi, *Worker Today* co-worker in Canada, carried out a long interview with Sam Gindin about the situation of the Canadian movement and the consequences of the East European development on workers' struggle in Canada, excerpts of which we publish here.

**Worker Today:** Could you talk about the North American labour movement: its overall situation and the various social and political tendencies functioning in it. Also how do you view the attempts to set up rank and file organisations within the official trade unions?

**Sam Gindin:** Looking at the labour movement in the United States first, part of the problem is the whole legacy of the left being destroyed. There aren't people with organisational skills, or committed socialists spread all over the place. So to try to form an alternative organisation, with the relatively small cadre of people, is very difficult.

You have workers who might be opposed to the existing leadership, and might see it as bureaucratic, but it is difficult for them to organise in a way that they can defeat it. This is a real problem which is different than the '30s. In the '30s you really had a strong left, in terms of the Communist Party organising. But when workers were organising in the 30s there wasn't another union organisation in place. So if you wanted to organise, there was only one place to go: you joined the union, and it was led by people who were committed to building something.

Today there is an organisation in place which is relatively strong, and in some ways it can deliver certain things. To start with nothing to challenge that, is a very difficult thing. I guess what I am emphasizing is that it shouldn't be underestimated how difficult the question of building any kind of rank and file unionism is in the United States.

In some cases you will have a reaction against the leadership and a rebellion, but right now the conflict is more likely to be between different tendencies and different unions. It isn't always just the rank and file versus the leadership. [Some of the struggles] will depend on how the rank and file movements are organised. But I'm not sure that I see the emergence of a strong rank and file movement, and a lot depends on building activists than just the rank and file. What doesn't exist in Canada and the US is that whole cadre of activists in every union who are committed socialists, who are committed to building something.

... The Canadian labour movement is not that entrenched, which is a characteristic, I think, of the labour movements around the world today. The weakness of the left is also reflected in the weakness of the trade union movement. I guess that's why I am less optimistic of the spontaneity of a rank and file upsurge. In fact in some cases a rank and file upsurge may also be anti-union. It is not clear that it will be channelled into a stronger, a more democratic union. Part of the reason for that is the absence of a strong left that can play that kind of a role, the way it has

played that role historically.

**WT:** What do you mean by the absence of a strong left, in unions, in the labour movement?

**S.G.:** I mean, in the absence of, for example, a strong party. If you look at the development of the labour movement, in some countries political parties were formed first; in some of the European countries you had political organisations that were formed, that were very strong, and out of this, one arm of the political movement was the union - in Germany for example. In North America, in the 30s there was a particular vacuum in terms of organisations that people who were in opposition could join. In the US there was no social democratic party, and there were no unions. The Communist Party could play a certain role, because the Communist Party had activists who were cadre people, who were in a lot of different locals; they could develop people when there was a question of tactics. Also, because of the vacuum, it meant that there were people who considered themselves socialists, thought of themselves as building something for the long term, and who had networks and links.

That doesn't exist now. There is very little of any kind of a socialist culture any more, and the political organisations that exist, like the social democratic party, see themselves as an electoral machine. The New Democratic Party [in Canada], for example, never organises on the basis of "Let's build a political cell in each factory, and out of that try to affect the class struggle and build something on it. Or "Let's educate." The NDP doesn't see that role. So unions end up focussing on collective bargaining.

I think one of the things that our union has done that is positive, is to put a lot of money and resources into education; to try to develop a cadre, one that is confident and has a more left ideology, a more sense of the independence of the labour movement. These became people who would go back to locals and would be active, more comfortable and confident about articulating the issues.

We have a Canadian Council of elected delegates from across the country that meets quarterly. At that council people can challenge the leadership and discuss the issues. So it becomes an educational forum, a discussion forum, a place to discuss tactics. I think we have been able to build something much more solid than other unions. There are bureaucratic tendencies in our union as well, but I think there has been that ability to build things, the union has not been as paranoid about the left, so people on the left have been able to function in the union. But in a lot of the unions that hasn't happened.

Spontaneity isn't good enough in itself; a certain amount will happen from it. You see periods in which the Canadian labour

movement, for example, acted very militant, pushed by the rank and file, and you would have a lot of strikes. But then after a while may be the strike wave would be over, high unemployment would weaken it. So it is necessary that something is made out of it. The key is that when there is militancy and people are active, you build something, so it doesn't get crushed next time. And that's the difficult challenge: How do you keep building something, with its own ideology, with its own structures? Because, otherwise, you have a period of militancy and may be workers will just get a little bit more wages, then unemployment is higher, the workers are on the defensive and get less, but nothing is built in terms of an alternative or a different way of thinking.

... I think the key to understanding the Canadian labour movement is that, relative to the US, it seems healthy. But the Canadian labour movement is still a relatively weak labour movement - both in terms of how much it has organised but also in terms of its capacity to take on strikes.

**WT:** The Canadian workers are more unionized than the US workers. In itself this is a point of strength. But, on the whole, how do you assess the weaknesses and strengths of unionism in Canada?

**S.G.:** Well, one thing I always remember when we are making comparisons to the American labour movement is that we are comparing ourselves to one of the weakest labour movements in the developed countries. The fact that we are better organised than them doesn't still say very much.

I think we have a number of weaknesses. One is that we still only have 37% of the workforce organised; we are not organised in the service sector and in a lot of the sectors that are growing fast - in banking and in insurance, for example. So we don't represent all workers. That's the basic problem. Another problem that I raised earlier is that the movement is still weak in its own sense of ideological independence, which I think we share with much of the labour movement in the developed capitalist countries.

A lot of the weaknesses are external to the trade union movement. In other words a lot of this arises because we are integrated into the North American economy which has very weak social institutions - for example social programmes - and a very weak labour movement. So the only way we can become stronger is to have ways of limiting what capital can do. And to do that we have to be strong politically, not just in the workplace, although the workplace is always fundamental.

**WT:** What do you mean by ideological independence?

**S.G.:** A lot of the debates that are occurring in Canada today, in the social democratic parties, in most of the unions, etc, are in terms of finding ways to cooperate with business: the existing structures are basically accepted, we can't do anything about Free Trade, or about globalization, our only hope is to convince business that we should be a partner, and if we are a partner, may be there will be more stability for them and then we will all be better off. Now to counter that would be an argument that, that is very naive, and business has a very particular agenda. Of course we have to talk to business, but you can only talk or relate to them when you are really strong independently.

So, for example, if you say we believe that workers have to be competitive and we want to protect workers, you are in a weak ideological ground, because you are accepting the basic premise of competitiveness which will buy us the outcome in management's terms. If, on the other hand, you say we reject the idea of competitiveness as the ultimate goal, but what we want to do is to develop our own productive capacities and that of our communities, and that we want a strong manufacturing base because it gives us flexibility in terms of what we can produce, and how we satisfy our needs, you are starting from a different and independent premise. You can start building a different ideology on that; for example the development of our productive capacities, but a democratic development of productive capacities.

Let me make it more concrete. Suppose you are talking about training. To a lot of the labour movement, training has been a motherhood issue. In other words, everybody is for training. Business and labour can join on training. What we have argued is No, training is also a class issue: there is training that satisfies the needs of business, so the workers will know how to follow orders, so that they will be educated so that their loyalty is with the company. There is training that says we need to train a small elite because that's what we need for production. And there is an independent view of training which says that training should be a universal right; our workers should be able to operate their skills so that they can understand production, so that they can start having some control over technology. We have a long-term vision of eventually controlling production. In other words what is it that the workers need, not what the corporation needs? That is also related to democracy because it is related to control. So that's what I mean by independence.

This is also related to your earlier question about the tendencies. It is a difficult question to answer, and in the past the answer would have been to define the tendencies in terms of political tendencies. For example one might say there was a social democratic tendency, or a lawful tendency which was left-nationalist, a syndicalist tendency, and so on.

I don't think that that description is the central question today. I think the central question in terms of tendency today is how people are answering such questions as competitiveness, concessions, and pressure on workers. So, for example, on competitiveness, there is the right wing view, which is the conservative business

agenda. Another tendency in the labour movement is to say, yes we have to become realistic and become competitive, but we have to do it in a way that focuses on high-tech, high value-added production, so we can have high wages and competitiveness. What I have been arguing is for the development of another tendency which says that that's a trap. I.e. to talk about a progressive competitiveness is just a trap.

**WT:** In an article on reducing working time, you argue that now is the best time to raise the demand for reduced worktime. Why do you feel this way?

**S.G.:** There are various reasons why it should be placed on the agenda, particularly in a tactical sense. One issue is as a way of sharing the work load evenly, because we have a lot of people who are unemployed, and then we have a lot of people who are working overtime; it makes more sense to distribute it evenly. But I think that tactically, too, it is important for a number of reasons:

One is that there is a base to linking it to the environmental movement. In Canada, for example, the economy would have to grow very very fast - much faster than I think it could grow - in order to absorb all the people who are unemployed today. So reduced worktime is a way of creating jobs, but accepting the fact that there might be a limit to how fast you can grow.

The other point is that reduced worktime is a vehicle for developing a lot of solidarity, particularly with workers who are unorganised, who are unemployed, and with young people. It is also a demand which you could push across sectors; workers could demand in every sector, and it has the potential to mobilize workers across sectors. It is an important issue to women. It would be a way of sharing some of the housework if men aren't just doing a lot of overtime and the women doing part-time; the balance would be better. It would deal with the question of women in the labour force.

Reducing worktime is also a way of leaving more time for other kind of activities: political activity, time for training, etc. There is also an important international dimension, of course. The German workers made it into an issue, and if nobody else responds, they would be isolated and it won't advance. So for all those reasons I think reduced worktime is one thing that addresses all those issues.

**WT:** Now I'd like to turn to a different question, namely, the developments in the Soviet Union. The Western states are very determined to associate the collapse of the Eastern bloc with the collapse of socialism. They also say it is a victory of free-market ideology. What is your view on this? What is the effect of the collapse of the Eastern bloc on workers' struggle in both East and West?

**S.G.:** I'll start with the second part and then try to cover both. At one level the collapse of the Eastern bloc means that anti-communist propaganda and rhetoric to divide the labour movement is no longer effective; there is not a strong

# Oil strike in Iran: End of a chapter

by Reza Moqaddam

THE OIL WORKERS struck this January, just as they had done last year, for wage increases and a number of welfare demands. The strike began at the Isfahan refinery and then spread to the refineries in Tehran and Shiraz. In Isfahan the workers stayed out for 17 days, and in Tehran and Shiraz for 15, working only in the morning hours.

The government, careful not to encourage other sectors to follow the oil workers' example, tried not to give in directly to the oil workers' demand. But it was unable to brush aside the wage issue which is the pressing demand of the whole working class in Iran. The strike forced the Iranian government to indirectly and through its Supreme Council of Labour concede a wage rise: the minimum wage level was raised across the board by 36%, from \$1.2 to \$1.6 per day (at the market exchange rate). Petty though this rise is, set against the high inflation rate and the daily price rises, the Iranian workers know well that even this increase is the result of the oil workers' strike. They therefore regard it as a victory for all workers.

Throughout the strike, the Islamic Councils (set up by the government in some of the workplaces) and the government itself, each followed its particular strategy: the Worker House (the central body for the Islamic Councils and Islamic Societies), tried to use the event to set up Islamic Councils in the oil industry (for the first time), and the government called on workers to apply for clerical positions so as to get a wage rise.

The Worker House, which believes that workers can more effectively be controlled through Islamic Councils, has for some time now put pressure on the oil ministry to get permission to set up these organisations in the oil industry. In this it was joined by a number of Islamic Assembly members who called on the oil minister to explain why Islamic Councils had not been set up in the oil industry. The minister's reply, in the form of a letter to the Assembly, was that the President himself was aware of this fact and on his advice, in view of the sensitivity of having political organisations in the oil industry, this issue would be considered in due course and the appropriate mea-

asures, with a view to the interest of the system, would be taken.

The daily *Kar-o-Kargar*, published by the Worker House, wrote about a meeting of oil workers in November last year in which the closing statement included a call for the setting up of Islamic Councils.

The oil ministry tried to turn the oil workers into clerks. This is part of the government's strategy of legally segregating workers in the vital sectors, like oil, from those in other industries. The aim is to deprive the working class from those workers who, thanks to their hold on the country's economic levers, enjoy a powerful position in the struggle to win the demands of the whole working class. The plan, which was introduced last year in the railways, was put forward in the oil workers' strike in a very provocative and divisive way.

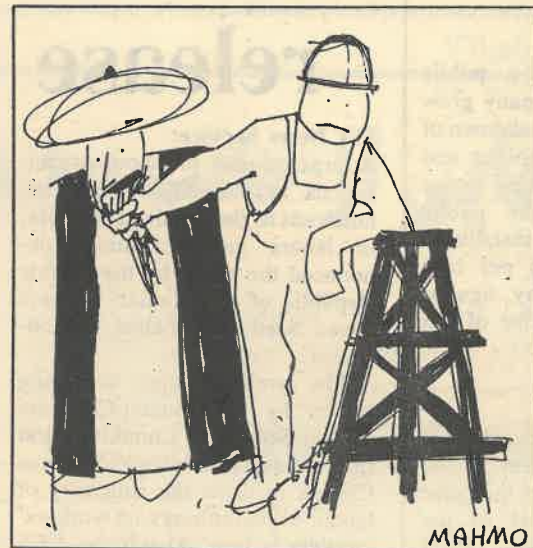
To counter the strike, the oil ministry raised the salaries and bonuses of the clerical employees having educational qualifications at or beyond the highschool level by 120,000 rial, and those with university degrees or higher by 170,000 rials. At the same time the blue-collar workers were told that if they wanted a pay rise they should apply for clerical positions. The plan applies only to those who have worked less than 20 years. Those with longer work record, get a 10 years' "relief" and retire!

Yadollah Khosroshahi, a long-time and well-known leader among the oil industry workers, who secretly left Iran a few years ago, says that "Since the oil minis-

try needs the expertise and work of these [the retired] workers, it has announced that while retaining their rights to pension and bonuses, these workers may work in Sazeh contract company, which has been built and is run by the engineers of the oil industry. But everyone knows that workers in the contract companies are among the worst off workers in Iran."

reporters, including Reuter, that this was not a political strike and should not be compared with the oil workers' strikes at the end of the Shah's rule in 1979. He said that the strike was only over wages and involved only a limited number of workers; some 40 to 50 workers refused to take lunch, so you may call it a sort of hunger strike.

Another important point about this strike was the resolution passed at the end of the workers' meeting held in Tehran. The workers said that during the Iran-Iraq war they had abstained from raising their demands and had not gone on strike, but now they wanted improvements in



Two things stand out with regard to this strike: In the last ten years it was the first time that the news of a labour strike broke through the state censorship, was reported by a number of news agencies, and published by several high-circulation newspapers around the world, including *The New York Times*. The government could only confirm the news of the strike, while trying to make it appear as a limited action. For example, the oil ministry's public relations' chief assured foreign

their conditions.

The resolution, adopted by workers who hold the life-line of the Iranian economy in their hands, in a symbolic way announced the end of a period when the working class was restrained by the political and ideological campaign of the war years, marking the start of a new round of workers' militant struggle. ■

From *International, organ of the Worker-communist Party of Iran, no.1, Feb.92.*

## Councils in Iraqi Kurdistan

Interview with H.Aso, Iraqi labour activist

H. Aso (pseudonym) is a labour activist and among the organisers of the workers' council movement in Iraqi Kurdistan. Akbar Keramati, *Worker Today* co-worker, talked to H. Aso about the current situation of the labour movement in Iraqi Kurdistan. Excerpts:

**Worker Today: How did the council movement (CM) arise in Kurdistan?**

H.Aso: In Kurdistan, just like any other part of the world, there exists a working class opposed to the present capitalist world. The CM was the mode in which this class asserted itself, the form in which it entered the arena of political conflicts, in the developments of the spring of 91. Workers succeeded in mustering their own united rank, in work places as well as neighbourhoods, to the degree they had gained class consciousness. The forerunners were the communist workers and the working-class socialist tendency. After the defeat of the Iraqi regime by the US and its allies, everywhere in towns the political assemblies were dominated by the councils.

The industrial centres were the most fundamental supporting points for the councils. The workers' movement declared its opposition to the economic and administrative system of capitalism through its demands: dismissal of managers, the return to work of sacked workers, 35-hour work week, housing benefits, unemployment insurance, and a working-class labour law.

In neighbourhoods masses of urban poor, who joined the struggle to exact their suppressed rights, took side with the workers. The neighbourhood councils were

actually the councils of workers and the poor.

The weakness of this movement and its activists was that they lacked any critique of the US bourgeoisie and its allies who had initiated a brutal war in pursuit of their own interests. It did not appear on anybody's agenda to burn the pictures of "uncle Bush" in order to show to the world that the workers in Kurdistan stand for something different and do not advocate his murderous acts. From this standpoint the CM lacked a socialist policy, a policy to enable it to stand as a contingent of a world class against the rank of the world bourgeoisie.

**WT: What was the attitude of the nationalist front, i.e. the Patriotic Union of Kurdistan and the Kurdish Democratic Party, towards the councils?**

H.A: Like anywhere else in the world, workers and the CM found themselves under attack by the bourgeoisie. The front of the nationalists carried out this attack on its behalf in Kurdistan. At first they stated in their radio that the councils must be shut down, and urged people not to participate in them. And then posted their troops in front of the factories, would not let in the sacked workers and councils activists, and raided the councils premises.

The New World Order and the opposition to Saddam's dictatorship was the bourgeoisie's effective alternative; a banner under which the Kurdish nationalist movement - a social movement - mobilised its ranks and waited for [the international bourgeoisie] to respond to its situation. During the US war against Iraq, and later on during the civil war, Kurdish nationalism had only one message: "to try to weaken the Iraqi regime". Its propaganda against every independent move on the part of the working people was that it would split the ranks of the Kurdish nation in the face of the regime. Such propaganda proved effective. The fear of the savage Ba'ath regime and the domination of nationalist ideas over working people's minds weakened the CM. The absence of a socialist perspective, a socialist alternative, caused the CM to be pushed onto the fringes.

Amongst the forces of the Front, the Patriotic Union of Kurdistan was the most conscious enemy of the workers and the councils.

The CM had limited power and influence. It was strongest in the towns of Solaymanieh and Havalir. In Solaymanieh the Front negotiated with the councils, but only in order to threaten them. During these negotiations, which lasted for several hours, armed workers, standing outside the meeting place, sang working-class communist songs, and commemorated the anniversary of the Paris Commune on the 18th of March.

The CM held a mass rally to demonstrate its power and its determination to defend the councils.

**WT: What became of the councils?**

H.A: The neighbourhood councils continued to work among the workers. Political agitation, aiding the refugees from Kirkuk and other places, arming the council forces, organising the activity to spread the influence of the movement throughout the region, and many more such social activities were being done when the assault of the Iraqi army rendered the people homeless refugees.

The efforts of the council activists to organise enough force to put up a resistance war remained unsuccessful, although several of them lost their lives in confrontations with the army.

In the end the workers' movement retreated in the face of the nationalist movement. However, the illusions that nationalism created in the minds of the workers with regard to their future are waning under the pressure of every day realities. The CM will prove an influential tradition. This experience will help the development of the working-class revolution.

**WT: What is the situation of the workers in Iraq, and more specifically in Kurdistan?**

H.A: It would be no exaggeration to say that the workers' economic situation deteriorates with an inconceivable speed. Inflation, factory closures, massive redundancies, extensive unemployment, militarisation of the industrial workplaces, and so forth, have all contributed to put the workers in a very awkward position with regard both to their conditions of life and struggle.

In order to get a notion of the situation of workers in Kurdistan you should add to what I just said the plunderings of the forces of

the nationalist front (even reflected in the international press), the sinister consequences of the economic sanctions (which are twice as hard on the Kurdish workers), and the inhuman conditions of life of hundreds of thousands of refugees. It's life and war mixed up.

No worker in Iraq can today provide for his family even a bare subsistence merely through the sale of his labour-power. They therefore have to sell today the things they bought yesterday.

The rift between the Arab and Kurdish worker has deepened. The situation of the workers, both in Kurdistan and in other parts of Iraq, is too unfavourable for them to unite their ranks and actively challenge the present state of affairs.

**WT: Around what demands are the present struggles of the Iraqi workers carried on? What are the policies of the Front as regards workers?**

H.A: The existing political and economic situation in Iraq has overshadowed the workers' struggles. The chaotic circumstances I just referred to have, temporarily, forced a setback on the workers, although we can see some weak fights here and there over such demands as higher wages, essential food stuff, burning oil, and so forth.

The Kurdistan Front's policy against workers and the CM is to build National Societies. These are yellow organisations engineered by the Front, supported by the police, and administered by the nationalist political parties. The front of the Kurdish nationalists intends to block, through insult and intimidation, the protest of advanced and communist workers. ■

## IN BRIEF

### Germany

The possibility of a public sector strike in Germany grew stronger after the breakdown of talks between the unions and government. According to the Financial Times, the public sector unions are demanding a pay increase of 9.5 per cent and extra holiday pay, against the government's offer of 3.5 per cent.

### Soviet Union

According to a recent ILO survey, unemployment in the former Soviet Union this year may reach the level of the 1930s US depression. More than 15m workers will lose their jobs this year in the former Soviet states, 12 per cent of the work force. Another 30m risk losing their jobs in the state sector.

### Britain

11 workers died after a helicopter, ferrying workers to the oil platforms, crashed in the North Sea. Offshore oil workers met representatives from Shell to discuss the crash. "Some very serious questions have to be asked about search and rescue cover offshore," said Ronnie MacDonald, chairman of the union Offshore Industry Liaison Committee (Financial Times 17 March).

### Iran

1,500 oil workers in the town of Ramhormoz struck in March and held a rally, calling for higher wages. According to Iranian Refugee Workers' Association, 6,000 people joined the rally which was attacked by the police, resulting in 57 arrests and many injuries.

## Support Worker Today

YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.

YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds.

YOU CAN help distribute Worker Today in your area. YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.

YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.

YOU CAN send us your articles and reports.

YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.

YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.

# Labour organisations call for release of jailed workers in Iran

## WT News Service:

A large number of labour organisations in Canada, representing hundreds of thousands of workers, in letters and resolutions denounced the arrest by the Islamic Republic of two Iranian workers Saeed Saedi and Zahed Manouchehri.

The protests came following efforts by the Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee and Internationalist Iranian Workers in Canada to draw the solidarity of labour organisations with workers' struggle in Iran. Also in the USA the executive board of the Service Employees International Union (SEIU), Local 660, and the American Federation of State, County, and Municipal Employees (AFSCME), Local 1108, condemned the government in Iran for its violation of workers' basic rights and called for the organisa-

tion and strike right for Iranian workers.

In Canada, Robert White, president of the Canadian Auto Workers (CAW), Pierre A. Paquette, general secretary of the Confederation of National Unions (CSN), Jim Crockett, president of United Food & Commercial Workers International Union (UFCW), Locals 175/633, Bruce Allen, CAW shopsteward, Local 199, Jim MacKinnon, business manager of the Labourers' International Union of North America, Local 1059, and Dave Fairfull, CAW president, Local 1917, in letters to the Iranian embassy condemned the anti-worker policies of the Iranian government and the arrest of Zahed Manouchehri and Saeed Saedi.

The following is the text of the letter by CAW president Robert White:

## Solidarity with jailed Canadian workers

Letter by WT editor, Reza Moqaddam, to CUPW

## WT News Service:

On 17 February, a Toronto court jailed André Kolompar, president of Toronto Local of the Canadian Union of Postal Workers (CUPW), Jim Lawrence, Vice President, and Ron Pollard, CUPW member, for defying an injunction against picketing during last summer's postal strike.

André Kolompar was sentenced to 70 days, and the other two unionists to 10 days each.

The following letter was sent by Reza Moqaddam, Worker Today editor, in solidarity with the jailed labour activists and in protest against this blatant attack on workers' rights:

To:

- J.K. Parrot, the president of the Canadian Union of Postal Workers (CUPW),
- The National Executive Committee of CUPW,
- The President and the Executive Committee of Toronto Local of CUPW

Dear Comrades,

It is with utmost indignation that we receive the news of jail sentences passed on three CUPW members, André Kolompar, Jim Lawrence, and Ron Pollard, for picketing during last summer's CUPW strike.

We share the contempt that André Kolompar and other comrades have shown for the law which denies workers the right to defend themselves by collective action.

This incident highlights once more that there are two sets of laws; one for the business and employers, one for the workers, and both written by capitalists and their governments. The real criminals are those who attack workers' jobs and their right to strike and picket, who jail workers' leaders and union members, very "legally" and "peacefully". We spit on this travesty of justice.

Worker Today has taken part in your struggle, in its small way, by publishing the news and information about this strike, including an interview with André Kolompar in its last September issue. We feel certain that we will be publishing more about your struggle and victories in the near future.

In solidarity,

Reza Moqaddam  
Editor  
Worker Today  
26/3/92

Mohammed Houssein Lavassani  
Ambassador, Iranian Embassy  
Ottawa, Ontario

February 21, 1992

Dear Mr. Lavassani:

On behalf of the Canadian Auto Workers, representing 170,000 members in Canada, I wish to express our concern regarding the treatment of Iranian workers and trade unionists by your government in recent months.

In particular, we have received reports of the detention of Saeed [Saedi] and Zahed Manouchehri. We further understand that these two detainees are being held incommunicado and that there has been no third party independent examination of their physical well-being allowed by the Iranian authorities.

Such violations of human and trade union rights will not be tolerated by the international community. We urge your government to release these two workers from captivity immediately.

Sincerely,  
Robert White  
President

## German workers occupy shipyards

## WT News Service:

Since late February thousands of east Germany's shipyard workers have occupied the region's largest shipyards in protest against the plans to privatise the industry, leading to thousands of job losses.

According to Metall, paper of the steel workers union, IG Metall, 3,000 workers chained the gates of the MTW shipyard in Wismar on 26 February. The next day the workers occupied the DMR diesel engine plant in Rostock. Many similar actions have taken place in the various cities in protest against the threatened job

losses.

According to the Financial Times (18 March) earlier, shipbuilding workers demonstrated against the sale of the industry outside the headquarters of the Treuhand (the government agency selling off the east German state industry). "A whole region is being unscrupulously wrecked", said Eckhard Rescke, a member of the Work Council at DMR.

The steel unions have demanded the merging of the shipyards into one company, instead of privatising them by splitting them. ■

## Iran: Struggle for higher wages

## WT News Service:

Workers of Arak Agricultural Machines staged a 3-day hunger strike on 12 February in protest against the poor wages.

The official daily Kar-o-Kargar, published by Worker House (central organisation of Islamic Councils and Societies), reported the strike as being due to "certain discriminations in the payment of ... bonus".

Recently, in an effort to contain the widespread protests over the low level of wages, the Iranian labour minister, Kamaly, had ordered the payment of a special

bonus on the anniversary of the Islamic government's coming to power. ■

A sit-in on 29 February by the employees of Kayhan, Iran's largest daily, caused a 5-hour delay in the publication of the paper, according to the daily Salam, published in Tehran.

The sit-in, in support of demands for higher wages and the replacement of some of the managers, came only two weeks after a 36% rise in the minimum wage in mid-march, reflecting workers' strong dissatisfaction with the pettiness of the wage rise. ■

● Oil strike in Iran: End of a chapter p.15

● Workers' Councils in Iraqi Kurdistan

Interview with H.Aso p.15

● On Canadian workers' struggle

Interview with Sam Gindin p.14

● Danish labour movement

Interview with Uffe Thomsen p.13